

محور کین جنگ داخلی وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم هستند

● رویارویی مردم با یکدیگر خواست امپریالیسم و عوامل وابسته به آن است

سخنگوی سازمان از این که این مصاحبه در محل ستاد فدائیان خلق صورت نمی گیرد اظهار تاسف نمود و گفت "خوشحالم از این که هنوز سازمان می تواند گفتارهای مطبوعاتی را در خانه شهیدا برگزار کند". وی پیرامون مسائل چند روز اخیر چنین اظهار داشت: "تنشهایی در مناطق مختلف طی روزهای گذشته صورت گرفته است که از آن جمله اند حمله به کتابفروشی ها، تهاجم به زنان، اعمال فشار بر توزیع بقیه در صفحه ۶

پنج روز بعد از حمله به ستاد مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سخنگوی سازمان طی یک مصاحبه مطبوعاتی نظرات سازمان را پیرامون حوادث چند روز اخیر مطرح کرد. این مصاحبه در منزل فدائی شهید بیزن حزنی یکی از بنیانگذاران سازمان صورت گرفت.

از اهداف ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی راهپیمایی روز قدس قاطعانه حمایت می کنیم

سازمان طی اطلاعیه ای که پنجشنبه بیست و پنجم مردادماه توسط خبرگزاری پارس مخابره شد، لیکن بهت سیاست یکجانبه و مترشانه را بیورد تلویزیون از رسانه های گروهی پخش نند، اعلام کرد که از هدفهای ضد امپریالیستی بقیه در صفحه ۴

حمله به ستاد فدائیان خلق توطئه ارتجاع و امپریالیسم علیه مردم است



رژیم دیکتاتوری سابق، مزدوران سر سهره امپریالیسم که در روزهای قیام به سوراخهای خود خزیده و جرات ابراز وجود نداشتند، اکنون سراسر ایران را میدان تاخت و تاز خود قرار داده و هر روز که میگذرد شاهد هجوم گسترده تر آنها علیه دستاوردهای مبارزات مردم، می باشیم. اکنون بجای مبارزه پیگیر با امپریالیسم، تشدید درگیری میان گروههای مختلف مردم، بجای آزادی قلم و اندیشه، انحصار طبیب و اختناق فکری و بجای شعارهای انضامی و مترقی، شعارهای مبتذل، فتنه های رکیک و مستهین علیه نیروهای انقلابی در فضای خیابانها مطین انداز است و در دیوار را بقیه در صفحه ۳

ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق، قلب کارگران و زحمتکشان ایران لفظاتی بعد از هجوم چماق بدستان رستاخیز

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران:

سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد لازم میدانیم دربار، وقایع روزهای اخیر مراتب زیر را با اطلاع هممیهنان برسانیم: ۱- با توجه به سیاست عمومی سازمان و نظر به جو متشنجی که ایجاد کرده بودند، مظاهران و راهپیمایی روز یکشنبه ۲۱ مرداد را نادرست دانستیم و در آن شرکت نکردیم. ما اطلاع داشتیم که عناصر وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم با اجسیر کردن عده ای مسلح کردن آنان به اسلحه گرم و سرد قصد هجوم به تظاهرات و درگیری و خونریزی را دارند و می خواهند آنرا وسیله تحریک عناصر ناآگاه برای حمله به دفاتر سازمانهای انقلابی و مبارزین ما با ملاحظت با این تظاهرات جهت خشن کردن توسعه مرتجعین جلوگیری بعمل آوریم. ۲- ما تحلیل مطبوعات آزاد و تشدید رفتار سازمانهای سیاسی و هر نوع حمله به صفوف بقیه در صفحه ۳

بزرسی دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده در انتخابات مجلس خبرگان (قسمت دوم) چه کسانی به کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق و موثلفین رای دادند

۱- جمع بندی قسمت اول در شماره ۲۶ کار ما در مورد دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده به کاندیدای های حزب جمهوری اسلامی موثلفین صحبت کردیم. گفتیم انگیزه این دسته از رای دهندگان چه بوده است؟ ما گفتیم رای دهندگان نه بر اساس تائید و برنامه و تاکتیک حزب جمهوری اسلامی به آن رای دادند و نه بر اساس اعتماد شخصی به آن کاندیداهای (بجز آیتالله طالقانی و احتیاطا یکی دو کاندید دیگر). اعتماد به پیش نویس قانون اساسی که توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف تنظیم شده است نیز محرك رای دهندگان به این ائتلاف نبوده است. توده رای دهنده به اینها اساسا هنوز در آن مرحله از رشد دموکراتیک نیست که درک کرده باشند قانون اساسی چه اهمیتی در سرنوشت او دارد، تمام نمونه ها نشان میدهد که آنها اصلا متن پیش نویس را ندیده بودند بسیاری هم اصلا نمی دانستند که پیش نویس چیست! گفتیم انگیزه عمومی توده های رای دهنده عموما نوعی قدر شناسی سیاسی نسبت به شخص آیتالله خمینی است که سخت با احساسات توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف

پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین

سالمات شاهد مبارزات قهرمانانه خلقی هستیم که با نبرد مسلحانه خود مصمم است پوزر جهانخواهران امپریالیست و صهیونیست را به خاک مالند. فلسطین قهرمان این سرزمین کوچک و خلقی که در صف مقدم مبارزه علیه ستم یا خاست است، برای تمام آنها که می خواهند آزاد باشند و در مقابل مستکبران سر فرود نیارند، یکی از بزرگترین نمونه های دوران ماست. خلق فلسطین نشان داده است که می توان بقیه در صفحه ۵

حل مسئله خلقها از طریق جنگ فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن است

هانگونه که بارها اعلام کرده ایم در این شرایط حساس هرگونه درگیری مسلحانه و راه حل نظامی مخالف منافع مردم ایران و تنها به سود امپریالیسم، صهیونیسم و عوامل داخلی آن تمام می شود. امپریالیسم، صهیونیسم و سرپرستان داخلی آن اینک همه نیروهای خود را برای سرکوبی خلقهای ایران و نیروهای انقلابی و مبارز به کار گرفته اند و واضح است امپریالیسم قبل از هر چیزی می کوشد به طرق مختلف با ایجاد نفاق و برادرکشی زمینه تحکیم سلطه خود را فراهم کند. حمله همجانبه نیروهای انقلابی منافع مردم و آتش زدن کتابفروشی ها و روزنامه فروشی ها و توهین و فحاشی به زنان توسط گروههای مزدور و افراد ناآگاه و تحریک شده اینک به اوج خود رسیده و در این گیرودار، جنگ و برادرکشی در پی او آغاز شده است. چه کسی از این رویدادهای شوم سود می برد؟ بدون تردید این افعال که به تشدید تنشهای درون خلق و در غایت از هم پاشیدگی وحدت خلقهای ایران منجر می شود، با دقت تمام از جانب امپریالیسم طراحی شده و موبه و در ایران اجرا می شود. آنگاه که به این درگیری های ناخوشایند دامن می زنند، آنگاه که آتش بیار مرمک شده اند، آنگاه که ناآگاهانه قربانی توطئهای حساب شده امپریالیسم امریکا، صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آن شده اند، اینک دارند نترسان مبارزات قهرمانانه مردم ایران را نابود می کنند. سرنوشت چنین مردم ایران با خطری جدی و بزرگ مواجه است. توطئها و نسیجه های دشمن و ندامت کاری های عوامل ناآگاه در سراسر ایران کاروا به جانی رسانده است که برای نجات چنین مردم و جلوگیری از تحکیم سلطه امپریالیسم، همه نیروهای مبارز و انقلابی، همینکه که با مبارزات متحد و یکپارچه خویش رژیم شاه را سرنگون کرده باید پای دیگر با اتحادی مستحکمتر از روزهای قبل از قیام صفوف خود را فشرده کنند. ما بار دیگر اعلام می کنیم که راه حل مسائل مردم و همچنین مسئله خلقها از طریق جنگه فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن تمام می شود و هر نیروی که به پیروی در این شرایط بحرانی بجای راه حل سیاسی، راه حل نظامی را در پیش گیرد باعث تشدید تنشهای داخلی می شود و چه بخواهد و چه نخواهد به پهن شدن و ارتجاع وابسته به آن ختم کرده است. در پاره نیز آن کسی که موجب بروز جنگ و درگیری شده است، بدون تردید چه بخواهد و چه نخواهد به شدت انقلاب ختم کرده است. ما از آنجا که در این منطقه فعالیت سیاسی نداریم تاکنون اطلاع دقیقی از کم و کیف جریانها که در این منطقه گذشته است نداریم. اما موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در قبال برخوردهای پاره و یا هر برخورد مشابه دیگر آن است که مسائل همه خلقهای ایران و همه مناطق ایران در شرایط کنونی باید از طریق سیاسی حل شود. راه حل نظامی بدون تردید وحدت خلقهای ایران را مستحضر تهدید می کند و یکپارچگی و استقلال ایران را در خطر جدی قرار میدهد.

در بیست و ششمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، رژیم کودتائی سرنگون شده ولی انقلاب در نیمه راه باز مانده است (قسمت دوم) علل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را بشناسیم و درس عبرت بگیریم.

تفرقه و جدا کردن مردم از یکدیگر بزرگترین حربه امپریالیسم از کودتای ۲۸ مرداد بود

در شماره قبل کودتای ۲۸ مرداد، شرح مختصر وقایع قبل از آن و شرح چگونگی وقوع این واقعه را بررسی کردیم. در این شماره به علل شکست جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی در متعلق ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و درسی که از این شکست میتوان گرفت، خواهیم پرداخت. ۲۸ مرداد شکست استراتژیک جنبش رهائی بخش در یک مرحله از حیات خود بود. کمبود جدی شرایط ذهنی فئدان پنهانگه انقلابی در جنبش کارگری و نبود یک رهبری قاطع و بی ممانعت در جناح بورژوازی ملی مهمترین علت این شکست بشمار می آید. موقعت محققان در جنبش که تازه داشتند

جعلیات روزنامه «انقلاب اسلامی» راه دیگری برای عوام فریبی و تحریک عناصر ناآگاه است

● اعلام جرم سازمان چریکهای فدائی خلق علیه جملنامه روزنامه انقلاب اسلامی در شماره ۲۶ روزنامه انقلاب اسلامی جملنامه ای با آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به چاپ رسیده بود که قبل از هر بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۱

علل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد...

در اینجا ضروری است بنویسیم از خصوصیات رهبری مصدق را که در شکت ۲۸ مرداد مؤثر واقع شد مورد بررسی قرار بدهیم:
۱- مصدق در مرحله اول جنبش ضد امپریالیستی نفت به نقش ارتجاع داخلی، دربار و ارتش که با هم میدان اولی در عمل با اهمیت آن بود با وجود این درسد مقابله قاطع برنی آمد.
۲- علیرغم دگرگونی‌هایی که در روش مصدق بوجود آمد اما با بهامیت طبقاتی خود نتوانست پاسخگویی ضرورت های زمان باشد. مصدق در موارد متعددی میبایست بهشتن اما ندهد از نیروی بسیج شده خلق برای سرکوبی دشمن استفاده کند. پس از سهم تیر میبایست در ارتش تغییرات بنیادی ایجاد کند و از روحیه انقلابی مردم برای این موارد استفاده نماید. اما در تمام این موارد مصدق ناتوان ماند.
نمونه بزرگ مصدق پس از شکت کودتای دربار در نهم اسفند ۱۳۳۱ و بخصوص در کودتای ناخرام ۲۵ مرداد خود را نشان داد. مصدق عملاً هیچگونه اقدام قاطعی علیه ضد انقلابیون انجام ندهد و پس از فرار شاه هنوز در سد تشکیل شورای سلطنت است!!
۳- نفس صمد رهبری مصدق، نداشتن سازمان و رابطه متشکل با مردم بود. احزاب جبهه ملی حزب بستی واقعی نبودند. باشکاه های سیاسی بودند بدون برنامه روشن و منضبط و مرکزیت. بنابراین مصدق و همکاران متفرض با توده‌ها تماس آزاد یکطرفه نداشتند.
۴- مصدق علیرغم توطئه گریهای دربار هیچگاه با شاه طرف رسمی نند. احترا بمصدق بهمنرویت و قانون اساسی، در کندی حرکت جنبش در جهت مبارزه با ارتجاع داخلی را میگذاشت و بهمرحبتن فرست میداد که در پنت قانون اساسی پنهان شوند.
۵- مصدق و سایر رهبران جبهه ملی و باصلاح احزاب آنها، بحاطر ماهیت طبقاتیشان که از بورژوازی ملی و خرده بورژوازی‌هاست میگرفت پیوسته از تریکشدن به طبقه کارگر و همکاری با نیروهای چپ واهمه داشتند. این امر موجب شد که خلق در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی نتواند صف واحدی داشته باشد و در نتیجه موفقیت کودتای ۲۸ مرداد را تسهیل کرد. مصدق تنها در مواردی نظیر رفتارندوم برای انحلال مجلس صندقمه از آراء نیروی چپ استفاده کرد. متأسفانه امروزه بعضی نیروهای وابسته به ارتجاع خرده بورژوازی بجای حرکت کردن در جهت اتحاد با نیرو های مردمان طبقه کارگر بحاطر مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و بنظور قطع کامل نفوذ آن، تمسادهای فرعی بدون خلقی را صمد کرده و عملاً آب به آستین ارتجاع داخلی و امپریالیست ها میریزند.
۶- روش مصدق در اغلب موارد تحت تاثیر آموزشهای بسیار قدیمی و سنتی رجال ملی نظیر مدبر قرار داشت و این با محتوای جنبش در آن سالها، نقش نیروهای انقلابی و شیوههای جدید امپریالیسم، وفق نمیداد. قابلی که مصدق برای مبارزات خود در نظر گرفته بود، که عمده آن چارچوب قانون بود، خودبصود موجب محافظه کاری او میشد.
۷- مصدق وجهه ملی بسیاره ضدخونوالی بسیار کم توجه کردند. تنها در اواخر حکومت مصدق بود که لایحه بیست درصد مهرملکانه بهمنفقن حقانان و شورای ده تصویب رسید. این امر هم خیلی دیر بود و هم بسیار ناچیز. مصدق میبایستی سد تک اصلاحات ارضی واقعی بزند که با تریب هم قدرت فتودالها و عاها و سران عناصر را از بین ببرد و هم نیروی عظیم حقانان را در مبارزه، دموکراتیک و ضد امپریالیستی وارد کند. (ادامه دارد)

از اهداف ضد امپریالیستی و... بقیه از صفحه ۱

جمله‌اند رفقای شهید ایرج سهری، فرهاد سهری، محسن نوربخش، خسروی اردبیلی و سایر رفقای که هم‌اکنون به مبارزه مجسود ادامه میدهند.
رفقای ما با شرکت مستقیم خود در مبارزه مسلحانه خلق فلسطین و با فداکاریهای بسیار درمحل نشان داده‌اند که تا پای جان به آرمان خلق فلسطین وفا دارند و امروز نیز همچنانکه قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، آماده‌اند به جبهه‌بیرد فلسطین رفته و دوشادوش خلق فلسطین برای درهم شکتدن دشمن مشترک، یعنی صهیونیسم و ارتجاع و امپریالیسم ببرد کنند.

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار... .

تظاهر کنندگان و نقش آزادی‌های سیاسی را بهر صورت که باشد، شدیداً محکوم می‌کنیم. افزایش روزافزون اختناق و سرکوب پایمال حقوق و آزادی‌هایی را هدف خود قرارداده است که خلق ما با دادن هزاران شهید و نابودی رژیم پهلوی بدست آورده است. دفتر مرکزی سازمان مورد حمله عوامل مرتجع وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم قرار گرفته است. طبق اطلاعات بدست آمده متأسفانه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی تهران و افراد مسلح وابسته به آن مستقیماً به حمایت از این عوامل متشکوک پرداخته‌اند. کلیه اموال و ائانی سازمان توسط همین کمیته صادره و ضبط شده است. روزنامه‌های هوادار دولت و کمیته‌ها چنین وانمود کرده‌اند که کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در این حمله دست نداشته‌اند و این حمله کار صهیونیست‌ها و عوامل امپریالیسم بوده است و آن کمیته تنها مشولیت مقابله با تاراج گران را برعهده داشته است.
در این صورت می‌بایست چرا کمیته مرکزی انقلاب اسلامی اموال دفتر سازمان را صادره و ضبط کرده است؟ افراد این کمیته به چه منظور از اساحت ۸ صبح در ساختمانهای نیمه تمام اطراف دفتر سازمان با بیسیم وصل و متفر شده بودند؟ چرا کامیونها و افراد مسلح کمیته همراه مهاجمان بهمحل دفتر رسیدند؟ چرا آنها فقط از جوب بشتان وقت کشاها حمایت کردند که بسدون مزاحمت درونبر ساختمان را بشکتدن و تریات و اعلامیه‌ها و کتابها را به آتش کشتند یا پاره کشتند.
اگر کمیته‌ها در این حمله دست نداشته‌اند پس چرا آراء رسمی محکوم نمی‌کنند؟ اگر کمیته‌ها در این کار دست نداشته‌اند پس چرا خودشان اموال سازمان را برده‌اند؟ و علاوه بر همه اینها چرا بلافاصله بعد از متفر شدن دو عامل صهیونیسم و امپریالیسم، دفتر سازمان را ترک نکرده و آراء تحویل ندادند؟
۴- اظهارات دولت و عوامل کمیته‌ها در مورد عاملین حمله و عدم وجود نقشه طراحی شده برای حمله به دفتر و همچنین ضبط تجهیزات نظامی از قبیل تیربار و گلوله‌های خیاره‌انداز و غیره کذب محض است.
این سیاست تازگی ندارد. متذات که دولت با رادبود، تلویزیون و سایر دستگاههای تبلیغاتی به پیش اخبار و مطالب جعلی، مترشانه ویک جنبه پرداخته‌اند.
ما ادامه دروغ‌پردازی و اغفال مردم را شدیداً محکوم کرده، نتایج آن را به زبانیست آورده‌ایم قیام توده‌ها و بسود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع می‌شمریم.
هم نظر به احترامی که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای شامتر، آداب، سنو عقاید توده‌ها قابل است و در تائید سیاست خود که مناسبت از دگرگیری با دستجات تحریک شده توسط مزدوران امپریالیسم و صهیونیسم است و نظر به اینکه فدائیان خلق در این شرایط که آنها می‌کوند با تعدید نتجات ایسن دستجات ناآگاه راه، به مقابله با انقلابیون واقعی و سازمانهای مترقی بکشدند با هوشیاری کامل اعلام می‌کنیم:
در روزهای سوگواری ماه رمضان که تا روز شنبه آینده است از تظاهرات خیابانی خودداری کرده و بدین وسیله نیز از مشولین امر می‌خواهیم تا در این فرصت ضمن معرفی محرکین حمله به دفتر سازمان به خلقهای ایران، محل دفتر و اموال آراء تحویل نایندگان رسمی ما داده حفظ امنیت آراء تضمین نمایند.
بدینوسیله است از آنجا که سازمان معتقد به آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک خلق است، پس از آن ازمهیج کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد.
با ایسان به پیروزی خلقهای ایران

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

در این پنج سازمان با وجود اینکه می‌دانستند میریان انتخابات همان هواداران حزب حاکم و متفرضین آن بشمار می‌روند و در سراسر ایران لیست کامل کاندیدها انتشار داده‌اند و باین ترکیب و سیاست انحصار طلبانه انتخابات و نتایج آراء کامل بود خود برگزار می‌کنند بازهم بهمان دلالی که شردیم در انتخابات شرکت کردند.
در این ائتلاف سازمان مجاهدین خلق که از یک نیروی سازمان یافته و یک سابقه مبارزاتی درخشان برخوردار است نقش برجسته را برعهده داشت.
۳- دیدگاهها و روانشناسی توده رای دهنده باین ائتلاف.
دردت برعکس رای دهندگان به حزب حاکم، اکثریت مطلق رای دهندگان به این ائتلاف آگاهانه و با شناختی که از مواضع سیاسی و گرایشهای ایدئولوژیک آنها داشتند باین ائتلاف رای دادند. بررسی‌های عینی نشان داده است که برخلاف حزب جمهوری اسلامی که کوشید با تکیه روی احسانات منخبی و احترام و ستایش توده‌ها نسبت به رهبری منخبی

بقیه از صفحه ۱

بررسی دیدگاهها و روانشناسی...

منخبی درآمیخته است. اما در میان رای دهندگان باین ائتلاف اختاری هم بوده‌اند که کاملاً آگاهانه و با شناخت نسبتاً کاملی از کاندیدها و نظرات آنها و همچنین ماهیت حزب جمهوری اسلامی و ست‌گیری طبقاتی آن به کاندیدهای آن رای داده‌اند از آن جمله‌اند تجار بازار و بطور مشخص ائتلافی میانی خرده بورژوازی سنتی. اینها از یک آگاهی سیاسی شکل گرفته و مشخص بر خوددارند اینها آگاهانه از رهبری موجود دفاع می‌کنند. و این امر را منطبق با منافع طبقاتی خود می‌دانند.
۴- ترکیب مؤلفین با سازمان مجاهدین خلق ایران و سیاست آنها.
اما قرار بود در این شماره راجع به ترکیب طبقاتی و انگیزه‌های رای دهندگان به کاندیدهای سایر سازمانهای سیاسی صحبت کنیم.
۱- زینر مقدار آراء سازمان مجاهدین خلق ایران و مؤلفین با حدود ۳۰۰ هزار رای در تهران بعد از حزب حاکم قرار داشت. ایسن ائتلاف طیف نیروهای منخبی ضد امپریالیست و متفق به دموکراسیم خرده بورژوازی را تشکیل می‌دهند. قشریت و انحصار طلبی در آنان چشم نمی‌خورد. از آنجا که دیدگاههای ترقی‌خواهانه دارند ایدئهای منخبی را به خدمت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی گرفته‌اند. و از آنجا که آزادی سیاسی و رعایت حقوق دموکراتیک خلق می‌تواند در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی قرار گیرد، ایسن ائتلاف می‌کوشد با شیوه‌های اختناق آور و سرکوب گرانه موجود و حمله به نیروهای مترقی و پیشرو به مقابله برخیزد. اما چون موضع منخبی دارند و نفوذ دولت و رهبری در میان نیروهای که سازمان مجاهدین هم بر آنها تکیه می‌کند قابل ملاحظه است پس کوشند هم روابط را با دولت و رهبری حفظ کنند و هم مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خود را پیش برند.
اما جنبه است که دیدگاههای انحصار طلبانه طرف مقابل و تحریک عناصر قشری چون جدید است که از دیدگاه طبقاتی و تبلیغاتی سوه علیه سازمان مجاهدین خلق از جانب عناصر قشری و بسیار عقب مانده که از سال ۵۵-۵۶ شدت گرفت در روزها و ماههای اخیر بازمه اوج بیشتری یافته است.
این ائتلاف که وجه غالب آراء طبقاتی از جریانات دموکرات و ضد امپریالیست یونانی‌نمده قصد داشت با شرکت در انتخابات مجلس خبرگان اعتبار خود را بانیات رساند و از این طریق جبهه نیروهای منخبی دموکرات را تقویت نماید. نظر آنها در مطلع کنونی این نیست که می‌توانند در تدوین قانون اساسی نقش داشته‌باشند آنها گره استفاده از اردو-تولیر یون را برای تبلیغات تحریم کردند و این خود نوعی اعتراض به سیاست انحصار طلبانه و مترشانه آن نیز تلقی شد اما چنانکه خود رسماً اعلام کردند قصدشان مشخصاً افشارگی نیز بوده است.
از سوی دیگر سازمان مجاهدین و مؤلفین بدلیل ترکیب نیروهای هوادار و طبقی که دربر گرفته‌اند، همانگونه که شرکت در انتخابات موقع آنها را تثبیت و تقویت میکرد تحریم انتخابات موجب تضعیف آنها و از دست‌دادن نیرو می‌شد.
این پنج سازمان با وجود اینکه می‌دانستند میریان انتخابات همان هواداران حزب حاکم و متفرضین آن بشمار می‌روند و در سراسر ایران لیست کامل کاندیدها انتشار داده‌اند و باین ترکیب و سیاست انحصار طلبانه انتخابات و نتایج آراء کامل بود خود برگزار می‌کنند بازهم بهمان دلالی که شردیم در انتخابات شرکت کردند.
در این ائتلاف سازمان مجاهدین خلق که از یک نیروی سازمان یافته و یک سابقه مبارزاتی درخشان برخوردار است نقش برجسته را برعهده داشت.
۳- دیدگاهها و روانشناسی توده رای دهنده باین ائتلاف.
دردت برعکس رای دهندگان به حزب حاکم، اکثریت مطلق رای دهندگان به این ائتلاف آگاهانه و با شناختی که از مواضع سیاسی و گرایشهای ایدئولوژیک آنها داشتند باین ائتلاف رای دادند. بررسی‌های عینی نشان داده است که برخلاف حزب جمهوری اسلامی که کوشید با تکیه روی احسانات منخبی و احترام و ستایش توده‌ها نسبت به رهبری منخبی

از ادمه دارد

سخن خواهیم گت.

حمله به ستاد فدائیان خلق

توطئه ارتجاع و امپریالیسم علیه ...

بقیه از صفحه

پوشانده است. و اوپاشان حرفهای دستجات تحریک شمای از تودمهای ناآگاه، مسلح به چوب و چاقو وقته میداندار ومدعی مبارزه با نیروهای انقلابی بهبانه دفاع وامی ازاسلام وشریعت میباشند.

نیروهای انقلابی و مبارزی که درساختمان نالههای دیکتاتوری واقتناع با دادن صدصدا شهید ازسازمغ زحمتکشان و آزادی واستقلال میهن دفاع کردهاند اکنون همچونمنافقان وعاصر ضد خلقی در لبه تیز این حلات دمدمتانه قرار گرفتهاند.

روزهای قیام را بخاطر داریم که چگونه درحسارترین لظحات قیام، نام این سازمان های انقلابی همچون استوارترین سنگرمبارزه پریزبانها بود و مردم بنور از تحریکات ارتجاع از مدافین واقعی آزادی و استقلال میهن حمایت میکردند. وامروز همانسازمان ما چنین مورد پورش واقتراعی مرتجعین قرار گرفتهاند.

آیا در حمایت نیروهای انقلابی واقعی تنهیری صورت گرفته است؟ آیا انقلابیون، ضد انقلابی و مرتجعین و دشمنان سوگند خورده مردم انقلابی از کار درآمدهاند. مسلما چنین نیست. بلکه علت را باید در سیرحوادث ورویدادها در ششماه گذشته جستجو نمود.

ساستهای سازشکارانه و مسامحات گرانسه دولت موقت در برخورد با ارتجاعوامپریالیسم وماخالفت با خواستهای انقلابی مردم ولایحل ماندن مسائل ومشکلات آنها و تلاش جهت احیاء و بازسازی ارگانهای شره خورده رژیم سابق، نظیر ارتش و ساواک... با همان آنگین نامعنا و شرايط گذشته، مطرح شمارهای تنگه نظران وانصاف طلبانه زیر پوشش ظاهری دعوت بهوحدهت، تنها شرمناش آن بوده است که امروز پارتیگر ناهد جان گرفتن مجدد ضد انقلاب و نیروهای مرتجع وابسته پامپریالیسم میباشیم.

ما ماهها پیش ازاین (۲۸ دیماه ۱۳۵۷) در اوج مبارزات مردم، هنگامیکه گروهی میگویشند بهبانه غیر اسلامی بودن، سنت شوم حمله به سایر نیروهای انقلابی و مبارز را پایه ریزی کنند طی نامه سرگشادهای بهآیتالله خمینی گفته بودیم: «... چه کسی بهتر از شاه در ۲۵ سال گذشته در شکستن قلمها وبستن دهانها موفق بوده است؟ حاصل آنچه ستها چه شده درسحیرت تاریخپرستی که میخواند بهترین آموزگار ساختن ایران فردا گردد. اگر امروز از فوران خشم و کثی که محصول مستقیم اعمال زورورسکوب است درس نگهیم آیا خواهیم توانست آنچه مان را در قلب مردم یا دایم وبهرروزی وشادمانی واقعی را برای مردم میهنمان به ارشان آوریم؟»

توجه داشته باشیم که سیزده سپاه ۲۵ساله دیکتاتوری وابسته پامپریالیسم تا حدودزیادی آگاهی و دانش سیاسی مردم ما را تنها به شدت با دیکتاتوری شاه واین خاندانمحدود

کرده بود. چنانچه این بخش از مردم ما به درستی هدایت و ارشاد نگردند و تحت تاثیر تلقینات مسوم کننده سازشکاران میرفته و سرمایهداران خود فروخته ای که دزدانه بسوی قدرت میخزند پایان راه را پایان سلطه پهلوی انگارند، آنگاه با تندید درگیریها و رویگردانیهای بین مردم قضا و ضرورتا سفوف متحد امروزین بهم خواهد ریخت و راه برای بازگشت ارتجاع عسوار خواهد شد.

ما بمخاطراتی که تشدیدتوطئه آهمزحمتکشان درون جبهه خلق پیروزی انقلاب رهائی طلبانه کنونی را تهدید می کند تاکید کرده و در هوشیار کردن مردم نسبت بهاین خطرات لفظهای تردید نخواهیم کرد...»

با توجه بهآن که از همان روزهای قبیل از قیام در حال شکل گرفتن بود، با توجه بهاین امر که از همان هنگام عوامل مرتجع وابسته پامپریالیسم میگویشند با طرح شار های نفاق افکنانه وحدت سفوف مردم را در مقابل امپریالیسم تشنیف کنند، به آسانی میشد پیش بینی کرد که ادامه این جریان می تواند چه عواقب شوم و نکتت باری در پی داشته باشد وامروز که نزدیک بهصفتستاده از آن بیانییه میگردد، ارتجاع را می بینیم که با قدرت تمام به توطئه چینی نشسته است.

در این روزها ناهدیم که اوپاش دستجات تحریک شده، نه تنها تهران بلکه بسیاری از شهرهای دیگر را عسلا فرق کردهاند و پاستگه و چاقو و چاقو، نیروهای انقلابی را مورد هجوم قرار میدهند. برخی از اینان بطور همسدا دشمنانهی را تار ماریزین می کنند که هرآنسان با فرهنگي را ازاین همه بی فرهنگي و پستی بهحیوت وشرموا میدارد. دولت زندانها ازاین نیروها حمایت می کند وعسلا شورها را بدست آنان سپرده است. وگنیتتها آمادهاند تا همینکه این دستجا دفتري را اشغال کردند و یا جسمی را مشروب نمودند برای تثبیت پیروزی آنها مسلطانه قدم پیش گذارند و قاطعانه بر ضل آنها مهر تائید بگذارند.

در حمله به ستاد سازمان بدینم که چگونه افراد کثیتتها ساحتها قبل ازحمله درساختمان های اطراف با مسلسل وبیمیم مستقر شده بودند و بهصحن اینکوارانل و اوپاش دستجات تحریک شده با چوب و چاقو و قسه پیدا شدهاند آنها را مستقیما زیر حمایت خود گرفتند. در حالیکه می توانستند از قبل جلوی حمله آنها را بگیرند. ودولت، پس از این عمل شرم آور ویا توجه بهاینکه هیچکس جرات دفاع از آن را نداشت - زیرا نفس مسل گنیهتر از آن بود که قابل دفاع باشم حاضر نشد آن را سراجتا محکوم نماید. و به سکوت رشادت آمیز خود ادامه داده است. از سوی دیگر میدانیم که از چند روز قبل هر گونه، تحمس و راهپیمائی شدید تشبیح و تحمیر شده بود وسازمان ما با آگاهی از زمینه چینی قبلی عوامل مرتجع، جهت جلوگیری از درگیریهای عسوانه و خونین ازیرگراری

راهپیمائی وشرکت در تظاهرات خودداری کرد، ولی گناهیکه شرایط را برای درگیری فراهم ساخته بودند، با سوء استفاده از موضع اصولی و صحیح سازمان، چاقو بدستان را بسجج کرده و ستاد مرکزی سازمان ما ودفاتر سایر سازمانهای انقلابی و مبارز رامورد حمله قرار داده، اموال آنها را بهغارت بردوآنها را اشغال کردند. آنها در مسیر خود هرچه را که نشانی از انقلاب وترقی داشت نابود کردند. دراین روز بساط تمام کتابفرهوشیهای کار خیابان از هجوم منولوار آنها درامان نماند. و در هنگام عبور آنها، در چهسره بسیاری از مردان وزنان و کودکان رهب و هراس موج میزد. زیرا آنها خاطرات شوم گذشته را زنده کرده بودند.

حالا در چنین شرایط متشنج و تحریک شندای سخنگوی دولت، دچار فراموشکاری شده واز تظاهرات و راهپیمائی های که خود قبلا آن را تقبیح کرده بودند، رسا حمایت می کند واعلام میدارد که راهپیمایان نظم انقلابی را حفظ کردهاند.

نیروهای ناآگاهی که امروز آلت دست توطئه گران گفتهاند و چنین فیجایی را بیار می آورند نه از مبارزه ضد امپریالیستی ونه مطلقا از کمونیزم چیزی میدانند. شاید در طول تاریخ جهان شمارهایی آن چنان غیر منطقی ومنسجم و بی معنا توان یافت که هم اکنون درایران و درمیان پاره ای ازاین نیروهای فرب پ خورده مشاهده می کنیم. وقتی چندصد نفر پاهم فریادمیکندند «پاروسری پاتوسری» «ستاد فدائی اعدام باید گردد»، «دموکراتیک وخلقی، شمار ارتجاع است»... تنها توطئه گران نتیجه میگیرند که آنها با آگاهی و برای دفاع از منافع خود بهمرکتبرآمدهاند. اینها حرفه های امپریالیزم و ارتجاع اند، نه پیش ازآن. دشمن توانست با استفاده ازاین حرفهها سهاستهای ذکر شده را بهمورد اجرا بگذارند. واجرای آن تا بحال بهنسو قابل ملاحظه ای همچنانکه همه ازجان دارند سفوف متحد خلق را دردم ریخته است. و ما در جریان حمله بدستاد مرکزی سازمان با چنین دستجات ناآگاه و فریب خوردهای روبرو بودیم که جسمی از ارزال اوپاش آنها را همراهی میکردند. سیاست ما در مقابل آنها چه میبایست باشد؟ آیا باید بهرفقای خود می گنیم بهرفقیمی که نده مقاومت کنند وشاه را حفظ کنند. درآن صورت با توجه بهصحنیت مسوم و تحریک شندای که مرتجعین ایجاد کردهاند، در موقعیتی که روزنامه های آزاد توقیف میشوند و تریبونهای تبلیغاتی در انحصار توطئه گران وعاصر ضد انقلابی قرار گرفته و آنها تودمهای ناآگاه را برصلیه انقلابیون ومبارزین واقعی تحریک کردهاند، چه کسی مشول قلمدانمیشد. گناهیکه امروز دشمن اصلی را نه در امپریالیسم که خود در عمل حملت آنها، بلکه در وجود سابقترین و جان بازترین نیروهای انقلابی جستجو می

کنند. با انصاری کردن رادیو وتلوویزیون و استفاده از هزاران تریبون دیگر جهتتمسیق تودمها، مسلما مقاومت ما را واژگونه وتحریر شده، منسجم ساخته، وبدین وسیله تمام اعمال ننگین خود را علیه نیروهای انقلابی توجیه میکردند. ما مقاومت را درآن شرایط بهزیان مردم تشنیص داده بودیم.

ستاد ما قلب کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان است. وما با خون خود این ستاد را ایجاد کرده ایم. و با خون آن را پاسداری خواهیم کرد. ستاد فدائیان، ستاد زحمتکشان وستاد رهبری جنگی میماند با امپریالیزم و استثمارگران است. این ستاد درون هسر کارخانه ودقلب هررستا ایجاد شده و ایجاد خواهد شد. این ستاد هرکجا که امپریالیزم و ارتجاع حضور داشته باشد وهرکجا که استثمار هست، سنگر سرخی است که خط اول مبارزه را هدایت خواهد کرد. بدین لحاظ ارتجاع وامپریالیسم دروجود ستاد فدائیان خلق گورگاه خود را یافته اند. تمام مسردم بخاطر دارند که فدائیان در مقابل مزدوران امپریالیسم هیچگاه تسلیم نشدهاند و درهجوم بهپایگاههای ما در گذشته، ما تا آخرین تنگک علیه دشمن می جنگیدیم دشمن تنها به اجساد رفقای ما دسترسی می یافت. ولی اکنون که مزدوران امپریالیزم با تحریک تودمهای ناآگاه تلاش می کنند، آنها را بدرگیری و رویارویی با ما بکشاند، ما در مقابل دستجات ناآگاه که میدانیم برای همینه فرب ارتجاع را نتوانند خورد و سرانجام دشمنان چهار پنهان کرده خود را خواهند شناخت. ما با چنین مردمی هیچگاه درگیر نخواهیم شد. همچنانکه در گذشته هم، پوری تودمهای نا آگاه که رژیم سابق گاه از وجود آنها علیه ما سوء استفاده میکرد، شلیک نکردیم. داشتن دفتر ومركز فعالیت علمی، حق سلم وبیچون وچهرای تمام نیروهای انقلابی ومبارزین است که در راه سرنگونی رژیم ضد خلقی گذشته مبارزه کرده و شهید دادهاند. هیچکس نمیتواند این حق سلم آنها رامورد تعرض و پرش قرار دهد. مردم ما پس از سالهای طولانی تحمل اختناق و دیکتاتوری که قلمها را می شکست و آزادی اندیشه را به بند می کشید، بیش از هر چیز به آزادی، به خاطر رشد آگاهی و تشکل، نیازمندند. آنها باید آزاد باشند در جریان برخورد آزاد اندیشه ها، با تشنیص آگاهانه منافع خویش، مدافین واقعی خود را بنشانند. هرگونه تحمیل عقیده وانفصار طلبی چیزی جز ادامه شیوه های منظم و پوسیده گذشته نخواهد بود. اختناق وسانسور وتوسل به جبر وزوروجت درهم شکستن آندیشه دیگران تنها شیوه کاسی است که از بینداری خلق می ترسد. ما در گذشته در بهترین شرایط ممکن بهضالیت و مبارزه خود علیه ارتجاع وامپریالیسم ادامه دادیم. و مزدوران سرپرده امپریالیسم هیچگاه نتوانستند سازمان ما را نابود کنند. اکنون که فدائیان خلق پیش از هر زمان دیگر در قلب تودمهای زحمتکش جای گرفته اند، چگونه می توان از ادامه فعالیت و مبارزه آنها با حمله بدفاتر ومراكز فعالیت علمی آنها،



روزنامه «انقلاب اسلامی» با نفر این سنجلی و سباه کردن اطراف آن خواهد است
باین سند جنبه واقعی باشد

جعلیات روزنامه انقلاب اسلامی بقیه از صفحه ۱

راه دیگری برای عوام فربیی و تحریک...

اینگونه موارد سند کثی صادر نکرده و نمی کند و از همین رو ساواک نیز با همه تلاشهای منبوحانه اش هرگز نتوانست سندکثی از سازمان بدست آورد. همه مردم ناهدند که «هرانی» جلال ساواک نیز در محاکمات کذابی خود خیلی کوشید تا سندی علیه سازمان ارائه دهد که البته موفق نشد وتاکام مرد.

بمراحل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران این عمل روزنامه انقلاب اسلامی را کوششی در جهت مضوش کردن انحصار عمومی و تلاش برای تشدید تنشهای درون خلق می دانند.

ما ضمن محکوم کردن اینگونه جمل برداری ها و عوامفریبیها بدلیل زیر علیه روزنامه انقلاب اسلامی اعلام جرم کرده ایم.

- ۱- کوشش در جهت فربخواندگانش.
- ۲- تمسب و افترا علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
- ۳- جمل مهر سازمان...

بازداشت و پیگرد مبارزین و انقلابیون در شیلی

مقامهای رژیم نظامی شیلی در سانتیاگو اعلام کردند نیروهای امنیتی دولتی این کشور هتت جوان را در رابطه با یک گروه چریکی دستگیر کرده اند.

هدف مقامهای امنیتی دستگیری اندوس پاسکال ائنه رهبر چریکهای شیلی که برادر زاده دکتر سالوادور ائنه رهبر فقید این کشور است بوده است.

در سانتیاگو گفته میشود اندوس پاسکال ائنه برای هدایت ورهبری مقاومت مسلطانه شیلی علیه رژیم نظامی این کشور وارد شیلی شده است.

سالوادور ائنه در سپتامبر ۱۹۷۳ در پی کودتای خونین زرالما در شیلی سرنگون و کشته شد.

فقط باقطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می توان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

موزامبیک، کشوری رها شده از استعمار

قسمت اول



۲۵ ژوئن، (۲۳ تیر) روزی است که یادآور پیروزی خلق موزامبیک و مبارز موزامبیک به استعمارگران پرتغالی است. روزی که نوید رها شدن آزادی خلق موزامبیک است.

در اینجا سعی شده که به اختصار اوضاع اقتصادی - اجتماعی موزامبیک بررسی شده و شماری از تاریخ مبارزات این خلق بازگو شود:

موقعیت جغرافیایی: موزامبیک در قسمت جنوب شرقی آفریقا قرار دارد و از شمال با تانزانیا، مالاوی و زامبیا، از غرب با زیمبابوه (روندیا) و آفریقای جنوبی و از شرق با اقیانوس هند هم مرز است. مساحت این کشور حدود ۷۵۰ هزار کیلومتر مربع و به تنهایی هشت برابر و نیم کشور پرتغال است. این کشور پوشیده از جنگلها و مراتع سبز و خرمیباشد و مساحت آن بالغ بر ۹ میلیون نفر است. موزامبیک به خاطر موقعیت استراتژیک و دارا بودن منابع زیرزمینی فراوان و نیروی کار انسانی ارزان از دیرباز مورد توجه استعمارگران قرار داشته است.

ورود استعمارگران در قرنهای ۱۵ و ۱۶، پرتغالیها بندرهای کلی ساحل موزامبیک را تحت کنترل خود گرفتند و در نتیجه جریان تجارت از مناطق داخلی به بندرهای ساحل و خارج زیر نظر آنها قرار گرفت. از این تاریخ تا اواخر قرن ۱۹ حضور پرتغالیها اساسا بر تجارت برده و تجارت نایبها و غارت تروفهای طبیعی این کشور استوار بوده است. اولین ساکنان پرتغالی موزامبیک زمینهای زراعی را از دست روسای قبایل بومی بیرون آوردند و سیستمی را برقرار کردند که از آن تحت عنوان «پرازو Prazo» نام برده میشود. در این سیستم قدرت صاحب زمین نامحدود بود، از جمله اختیار زندگی یا مرگ همه ساکنان «پرازو» در دست صاحب زمین بود؛ کلیه امور مانند خرید و فروش بردهها در کنترل صاحبان «پرازو» قرار داشت. در سال ۱۸۹۹ با صدور قانونی، بردهداری در سراسر امپراتوری پرتغال ملغی شد ولی این امر در مستعمرات بردهداریت صرف باقی ماند و بزدههای سابق تحت نام جدید «لیبرتو Liberto» به همان شیوه و شدت گذشته استعمار می شدند.

پس از کنفرانس برلین که در آن قدرتهای اروپایی شرکت داشتند، استراتژی جدیدی از طرف پرتغال برای کنترل موزامبیک وضع شد، ضمن آنکه امتیازات زیادی به انحصارات آلمانی، فرانسوی و انگلیسی واگذار شد. در نتیجه این استراتژی جدید صاحبان «پرازو»ها در شرکتی صاحب امتیاز، انحصاری تحلیل شدند. بتوان نمونه شرکتی «کمپانی موزامبیک»، «کمپانی نیاس» و «کمپانی زامبیا» در مناطق مختلف مستعمرات پرتغال شروع به بهره برداری از نیروهای انسانی و طبیعی کردند. شرکت اول، «کمپانی موزامبیک» بزرگترین اینان بود که انحصار تجارت، استخراج معادن و غیره در منطقه را به زیرگی ۶۲ هزار مایل مربع، را در اختیار داشت. زمینهای زراعی در خدمت کشت مسلولایی که از طرف امپریالیسم خواسته میشد قرار گرفت. در موزامبیک این محصول پنبه بود که دهقانان در شرایطی که نیازی به آن نداشتند مجبور به کشت آن بودند.

پس از بقوت رسیدن دیکتاتوری «سالازار» در پرتغال (۱۹۲۸) سیل مهاجران پرتغالی به موزامبیک سرازیر شد. هدف از این امر، حرکت در جهت حل مشکل بیکاری در پرتغال و استفاده هر چه وسیعتر از معادن و نیروهای پهنولت پرتغال به نفع زمینهای مرغوب زراعی پرداخته بطوریکه برای یک میلیون و ۲۵۰ هزار خانوار موزامبیک، فقط بالغ بر یک میلیون هکتار زمین مرغوب باقی میماند در حالیکه مهاجران هر یک بیش از ۲۵ هکتار زمین در اختیار داشتند. سیاستهای مستعمراتی پرتغال مانع از گسترش صنایع بسود و به این ترتیب کارگران عدتا در معادن و بنادر مشغول بکار بودند و کارخانههای بزرگ وجود نداشت به همین دلیل دهقانانی که در اثر حرکت سرمایههای امپریالیستی از زمین خود

جدا میشدند نمیتوانستند در جایی مشغول بکار شوند، همین مسئله در موزامبیک باعث شد که تودههای دهقان بی زمین و اغلب آوار، ستون فقرات جنبشهای ملی را تشکیل بدهند. علاوه بر آن تعداد زیادی از آنها به جنبشجویی کار در کشورهای دیگر پرداختند، در سال ۱۹۱۵، حدود ۴۰۰ هزار نفر در مادن آفریقای جنوبی کار می کردند که یک چهارم آنان اهل موزامبیک بودند. همین مسئله نظمه هستگی محالی را که طی فرم اینکس که از ملیتهای مختلف بودند در آن زمان وجود داشتند، تشکیل میدهند. عاملی که در رند و گسترش انقلابات کشورهای تحت استعمار در آفریقا نقش عمدهای را ایفا می کند.

موزامبیک (فرلیمو)
تا پیش از قرن بیستم مبارزات خلق موزامبیک علیه استعمار پرتغالیها بدون تشکیلات و آگاهی لازم و تحت رهبری شیوخ اقوام و طوایف مختلف بود. شیوخی که به نفعات از طرف استعمارگران خریداری شده، در مقابل هم قرار گرفته و جنبشها را به سازش و شکست کشاندند. در این دوران مبارزات اساسا به یک یا دو طایفه محدود میشد و به همین دلیل استعمارگران آنها را به آسانی و با خونت تمام سرکوب میکردند. آخرین این گونه شورشها مربوط به سال ۱۹۱۷-۱۸ است.

در قرن بیستم اشکال نسوین مبارزه و سازمانهای مقاومت ظاهر شدند. سازمانهای دهقانی در شمال کشور برای بهبود وضعیت زراعت بوجود آمدند. سازمانهای فرهنگی و گروههای دانشجویی و دانش آموزی تشکیل شدند. روزنامهها و مجلات به نشر فایده آزادی خواهانه مبادرت ورزیدند. در سال ۱۹۲۹، «ادوارد موندلین» (که بعدها رهبر فرلیمو شد) دهت دانش آموزان متوسطه آفریقای موزامبیک NESAM را تاسیس کرد. در این موقع سطح آگاهی تودههای زحمتکش بسیار پائین بود و آنان هنوز به ضرورت مبارزه یکپارچه بی نبرده بودند، حرکات آنان محدود به جنبشهای خالصا اقتصادی و گاه سیاسی میگردید. اعضاها کارگران بندر «لورنو» مارکره در سال ۱۹۲۸ که منجر به تبعید چند صد نفر شد و اعتصاب سال ۱۹۵۶ که منجر به مرگ بیش از ۵۰ نفر شد کمک زیادی به رشد آگاهی خلق موزامبیک کرد. در دهه ۶۰ قرن بیستم شرایط به سرعت تغییر کرد. در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۵ قتل عام بیش از ۶۰۰ نفر در «موندئا» (در شمال موزامبیک) به عناصرتیرو خلق ثابت کرد که بدون سازماندهی و بدون روی آوری به مبارزه مسلحانه هرگز قادر به کسب استقلال نخواهند بود.

در اوائل دهه شصت، سبجریان مبارزاتی که در قستهای مختلف موزامبیک کار می کردند بوجود آمد. در سال ۱۹۶۵ «اتحادیه دموکراتیک موزامبیک UDENAMO» که تحت رهبری

نامه یک کارگر:

از رنج و مشقت ماست که «یقه سفیدها» به نوائی می رسند

درد نیندانه از کجا شروع کم ما کارگران که چرخ اصلی ملکیت را می چرخانیم از کار و کوشش و رنج مشقت ما یقه سفیدها بنوائی میرسد خانوادشان در آن بالاها مسکن دارند با هزاران وسایل خانگی و تفریحی اما طبقه ما کارگران که هر خانواده شش یا هشت نفری در یک اتاق مثل کرم بهم میلولیم و در دل میگوئیم روزی بشود که انقلابی در ایران بوجود آید آنوقت ما میدانیم و... انقلاب هم پدید آمد.

در خیابان یادآور آن کارخانه ای هست به نام «رخانجات کسرو سازی ششاد این کارخانه دارای ۶۵ کارگر دائمی و در حدود ۱۵۰ کارگرموقت (معدای از این کارگران را زنها تشکیل میدهند که اکثریت آنها شوهر مرده و دارای چند سر عائله و هر کدام با سابقه ۱۵ الی ۱۵ سال میباشند که روزانه مبلغ ۲۸۰ ریال دستزد میگیرند همه دیگر مردها میباشند که سنشان از ۴۰ سال بالا میباشد و اینها هم با سابقه مثل زنها روزانه ۳۵۰ الی ۴۰۰ تومان دستزد میگیرند) در زمان طاغوت مدیر عامل کارخانه با سرمایه ۶۰۰ هزار تومان شروع بکار کرد و الانه که مدت ۱۵ الی ۱۷ سال از تاسیس این کارخانه میگذرد سرمایه مدیر عامل کارخانه از ۱۰ میلیاردها هم تجاوز میکند.

بگذریم اما این آقای سرمایه دار که خود را از طبقه روحانیون و حاجی آقاها مصرفی نمیکند چگونه توانسته است خون یک منت کارگر زحمتکش را تو شیشه کند هر گاه من خواستم اعتراضی بکنم مدیر داخلی شان که یک سرهنسنگ آگاهی و یکسی از سربرندگان اصلی رژیم منحوس پهلوی است ما را سرکوب میکرد و یا توسط کارگران یا کارمندان جبرمخوار و خورک سرکوب میشدیم هر چه از این سرمایه دار و مفتخور دزد بگویم کم گفتم، بگذریم، الانه منت همه ما است که از انقلاب شکوهمند ایران که به دست برادران کارگر رژیم منحوس پهلوی سرنگون شد میگذرد

تشکیل شورای صیادان آزاد

چاقلی - کمیشده - ۱۹۵ نفر از صیادان آزاد روستای چاقلی - کمیشده جهت تشکیل شورا و انتخاب نمایندگان خود اجتماعی در روستا تشکیل دادند و پس از سخنرانی در مورد اوضاع کشته و حال جامعه و اوضاع صیادان توسط نماینده کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن - کمیشده و چندین نمایندگان پس از بحث و گفتگوی زیاد بین صیادان

بخشدار بندر ترکمن از وابستگیان رژیم سابق است

بندر ترکمن - صبح روز شنبه ۵ مرداد به صورت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن، هزاران نفر از مردم این شهر در یک راهپیمائی علیه بخشدار شهر که از عوامل وابسته به رژیم قبلی است شرکت کردند. اعتراض راهپیمایان به اقدامات اخیر بخشدار بندر ترکمن بود که بهانه تعیین شهردار شهر، مرتجعین، سرمایه داران و عوامل رژیم، پیشین را به دور خود جمع کرده و به توپخانه طبع شورای موقت

در مرگور اتحادیه دهقانی تشکیل شد

ارومیه - دهقانان منطقه مرگور در چند ماه اخیر شاترده شورای دهقانی تشکیل داده اند. این شوراها دهقانی در روز ۱۳ مرداد اتحادیه دهقانان را تشکیل دادند. روستائیان ۱۶ ده و نیز نمایندگان بسیاری از دهات دیگر در محل تشکیل اتحادیه گرد آمده بودند. در این اجتماع نمایندگان روستائیان اسلامآباد و نیز یکی از روستائیان «دیج» دول، ضمن اعلام همبستگی با اتحادیه، ماهیت

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



تاریخچه و منشاء روزیونیسم در جنبش کمونیستی (۵)

هنرزیست مالت آمیز از دیدگاه لنین و سیهلای است برای پیشبرد امر تحکیم سوسیالیسم در شوروی و حمایت از انقلاب های دموکراتیک و سوسیالیستی. در یک کلام سیاست هنرزیستی مالت آمیز لنینیستی باید در خدمت انترناسیونالیسم پرولتری و جنبش های آزادیبخش قرار گیرد. اما روزیونیسم - مالت آمیز را به جای حمایت از جنبش های سوسیالیستی و دموکراتیک هنرزیستی مالت آمیز را مضمون اصلی سیاست خارجی خود اعلام کرده اند. سیاست کاملاً متضاد با مهربان حزب بلشویک اتخاذ کرده اند.

روزیونیسیم هنرزیستی مالت آمیز را به مضمون اصلی حرکت همه احزاب کمونیستی جهان که باید برای استقرار حکومت کارگری مبارزه کنند، بدل کرده اند.

در مجله «کمونیست» چاپ اتحاد شوروی، شماره ۲، سال ۱۹۶۲ چنین آمده است: «هنرزیستی مالت آمیز «اساس استراتژی کمونیسم» در دوران ماسار است و کمونیست های سراسر جهان باید مبارزه به خاطر هنرزیستی مالت آمیز را اصل اساسی سیاست خود قرار دهند. و در جای دیگر رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی مدعی می شوند که در شرایط هنرزیستی مالت آمیز امکان گذار مالت آمیز کشورهای سرمایه داری به سوسیالیسم افزایش یافته است.»

(با نام ارف «بسی مسائل جنبش انقلابی».)
می بینیم که روزیونیسیم هنرزیستی مالت آمیز را به مضمون اصلی سیاست خارجی کشور های سوسیالیستی و حتی مضمون اصلی حرکت همه احزاب کمونیستی جهان که باید برای استقرار حکومت کارگری مبارزه کنند، بدل کرده اند. در حالی که سیاست هنرزیستی مالت آمیز لنین یکی از جنبه های سیاست جهانی دولت کارگری است و تازه آن هم باید در خدمت پیشبرد اهداف انترناسیونالیسم باشد و نه تنها راه انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی را سد نکند بلکه عوارض کننده چنین راهی باشد. در واقع سیاست هنرزیستی مالت آمیز دولت کارگری از دیدگاه لنین با منافع امپریالیستها متضاد بوده و در جهت منافع کارگران و زحمتکشان جهان است، و با ادامه مبارزه طبقاتی سازگاری دارد. اما سیاست که روزیونیسیم را پیش گرفته اند در جهت همکاری و سازش طبقاتی و جلب رضایت امپریالیستها دور میزند.

لنین در نخستین پیش نویس ترمای در باره مسائل ملی و مستمراتی چنین می نویسد: «جامعه ملل و کلیه سیاستهای پیروز جنگ متفقین با هم آنگارتر و جدیتر این حقیقت را فاش می کنند که همچنانکه در همه جا

تئوری «سوسیال امپریالیسم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۵)

آنها که به قدرت رسیدن روزیونیسیم را با احیای سرمایه داری یکی می کنند از درک ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک عاجزند.

روزیونیسیمای حزب توده خود را وکیل مدافع روزیونیسیم در شوروی می دانند و همیشه و در همه شرایط مذبحخانه کوشیده اند بامدیعه سرائی و ناگوشی از تمام انحرافات روزیونیسیم مسلط در شوروی دفاع کنند و همان یزید به های را که کائوتسکی ها، و یا منتویکا به بلشویکیها میزدند، تار مارکسیست-لنینیستها کنند.

اپورتونیستهای پیکار و شرکاء نیز با گفتم این که شوروی یک کشور امپریالیستی است خیال خود را راحت می کنند. توده های ماس گویند هر کسی از شوروی انتقاد کند طرفدار چین و به قول خودشان «مائوئیست» است. پیکاریها و بویژه برخی از شرکاء آنها نیز میگویند هر کسی شوروی را امپریالیست می داند «مناظره گر روزیونیسیم» توده های است. گوئی اینها از ترس آن که مبادا توده های بشوند، ترس می خورند و امپریالیسم را پذیرفته اند.

اما مارکسیسم، لنینیسم به ما می آموزد که باید با تنقید تمام، هر نوع گرایش روزیونیسیم را بررسی کنیم و آن را همانگونه که هست بنماییم چرا که اشتباه در این امر سبب رشد روزیونیسیم می شود و این خود خطراتی مرگبار برای جنبش کمونیستی میهن ما به همراه خواهد داشت.

بیزاری ما از روزیونیسیم حزب توده و حمایت دیگر احزاب روزیونیسیم بویژه حزب کمونیست شوروی از این جریان قویا انحرافی که هنوز به عنوان خطری جدی برای جنبش کارگری ایران به شمار می رود نباید سپه شود که ما در تحلیل از نظام شوروی - چهارتاریب - زدگی شویم.

آنها که بر خورد علمی مارکسیست - لنینیست را به «مناظره گر سوسیال امپریالیسم» تشبیه می کنند و با گفتم این عبارت خیال خود را راحت می کنند در واقع ورتشکستی ایندولوزیک و ماهیت اپورتونیستی خود را به اثبات می رسانند. انحرافات ایندولوزیک چین و شوروی که امروز هر دو گرفتار روزیونیسیم هستند متفاوت از یکدیگرند به معنی احیای سرمایه داری در این کشور و سایر کشورهای سوسیالیستی زیرا آنها نیست آنها که به قدرت رسیدن روزیونیسیم را برپا می آورند.

احیای سرمایه داری یکی می کنند در واقع از درک عمیق ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک عاجزند.

این عقیده که نظام شوروی سرمایه داری است، بطور کلی منظره ویرشده اصول اساسی مارکسیسم است. مارکس و همه مارکسیستها این اصل ابتدایی را می پذیرند که سرمایه داری شیوه تولیدی است که اساس آن را مالکیت خصوصی تشکیل می دهد. در چنین نظامی تولید کالایی عمومی پافته و عوامل تولید مشمل نیروی کار، ابزار کار، زمین و غیره به کالا تبدیل می شوند. تولید کالا بر اساس رقابت

در بازار استوار است. رقابت میان سرمایه های منفرد، قانون ارزش کار را موجود می آورد و نیروی مفرکه لازم را برای پروسه تاریخی انباشت سرمایه ایجاد می کند. آیا نظام شوروی چنین است؟

در نخستین دهه های پس از انقلاب اکثر، خلغ ید از طبقه سرمایه دار و ملی گردن سوسیال تولید از جانب دولت کارگران که با پی ریزی اقتصاد با برنامه همراه بود، رقابت سرمایه داری را از میان برد و با از میان رفتن اقتصاد بازاری، دیگر وسایل تولید خصلت کالایی خود را از دست دادند و در نتیجه سرمایه و قانون ارزش کار به مفهومی که در نظام سرمایه داری وجود دارد، از میان رفت.

برخی مدعی می شوند که پس از مرگ رفیق استالین و به قدرت رسیدن روزیونیسیم در اتحاد شوروی، وسایل تولید جنگلی به یک سرمایه واحد تبدیل شده اند که سرمایه داران دولتی انحصاری مشترکا صاحب آن هستند. (نشریه رد پی پرز Red papers چاپ امریکا). این ادعا، خود روزیونیسیم محض است.

مارکس می گوید: «سرمایه فقط و فقط به صورت سرمایه های بیشتر وجود دارد و می تواند به موجودیت خود ادامه دهد. لنین نیز تأکید می کند که در دوران امپریالیسم و در شرایط وجود انحصارات بزرگ نیز هرگز انحصار به طور کامل برقرار نمی شود و رقابت را از میان نمی برد.

برخی از مدافعان شرشاس تراحمی سرمایه داری در شوروی، مثلا نیکولائوس امریکایی که بیشتر تحت تأثیر افکار «مائوئیسم» قرار دارد، اعلام داشته اند که در شوروی قانون ارزش دوباره بر اقتصاد مسلط شده است و از همین رو باید بپذیریم که نظام این کشور پیک سرمایه داری است (نشریه رد پی پرز). این عقیده مورد حمایت خیلی از کسانی است که به «احیای سرمایه داری» معتقدند.

ما در این جا پیشتر آن را که به این نظر پاسخ دهیم، قانون ارزش را به اختصار توضیح می دهیم: در نظام سرمایه داری کالاها در بازار مطابق ارزش خود یعنی مطابق با زمان کار اجتماع لازم که صرف تولید آنها شده، با یکدیگر مبادله می شوند. این پدیده را قانون ارزش می گویند.

در جامعه سرمایه داری که قانون ارزش بر همه شئون اقتصادی تسلط دارد، توزیع سرمایه در رشته های مختلف توزیع وسایل تولید، نیروی کار و غیره همگی تابع قانون ارزش هستند.

در جامعه سرمایه داری از آنجا که رهبری متمرکز اقتصاد وجود ندارد و تولید مطابق یک برنامه مین صورت نمی گیرد، هیچ سرمایه داری نمی تواند از قبل پیش بینی کند که

بقیه از صفحه ۱

محرکین جنگ داخلی وابسته ...

دگرگون کند. در مورد حمله به دهکده های لاهیجان که آقای کریمی فرماندار شهسوار که خود با بیست نفر پشیمان حمله کنندگان به این دهکده حمله می کرده و فیلم آن نیز موجود است. روزنامه جمهوری اسلامی این عمل را به نیروهای مبارز انقلابی نسبت داد.

س - بعضی از هواداران انتقال د می کنند که هواداران شاد در مقابل ستاد شناسایی می شدند و شباهتی عسلی نشان داده آید. عده ای نیز طرفدار اشرف دهقانی هستند، در این زمینه اطلاعاتی بدهید.

ج - وضعیت سازمان با وضعیت گروه های دیگر فرق می کند. در میان سازمانهای مارکسیست مسئولیت عمده بر عهده سازمان ماست. ما حق نداریم همچون گروه اشرف دهقانی وقتی چنین صحنه هایی می بینیم دچار احساسات شویم. البته هر قدر آگاه، هر کسی که بتواند حقایق راتحقیق دهد از این اعمال نجیب، ارتکاب سوزان از درسیست ن لباس های زنان، از آتش زدن کودکان

پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلق ...

با کترین امکانات و با تکیه به نیروی خلق ستمدیده سرخسختترین مبارزات آزادیبخش را علیه نیرومردنتر قدرت های امپریالیستی سازمان داد.

اکنون پس از گذشت سالها خلقی که در کوران سخت ترین مبارزات انقلابی آید شده و از هزاران آزمایش دشوار استوارتر از پیش سر بلند بیرون آمده، همچون سنگر شکست ناپذیر انقلاب و خط مقدم جبهه نبرد علیه امپریالیسم و سهیونیسیم در منطقه بمبارزه خود ادامه می دهد.

مبارزه خلق فلسطین امروز از جهان حقایقی برخوردار است که حتی دشمنان آن در منطقه برای فریب تودمها، مجبورند بدفاع ظاهری از انقلاب فلسطین برخیزند و خود را مدافع آن وانمود سازند. ما در دوران رژیم ضد خلقی سابق در میهن خود دیدیم که چگونه رژیم مزدور، نزدیک ترین پیوندهای اقتصادی و سیاسی را با سهیونیسیم برقرار نمود و به اتفاق آن علیه انقلاب فلسطین و انقلاب خلق های ستمدیده منطقه دست به توطئه گری می زد. ولی هیچگاه از ترس مردم ما که در انقلاب

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

پیکار کرده اند و در آینده نیز در کنار این خلق قهرمان خواهیم جنگید. ما با آرزوی پیروزی برای آرمان مشترکمان بگرن توطئه های هتیم که علیه انقلاب فلسطین توسط سهیونیسیم، امپریالیسم و ارتجاع عرب در جریان است و اکنون در جنوب لبنان و در قرارداد تنگین سادات - بگین واکتر شاهد نمونه های گویایی از آن هستیم. ولی ایمان داریم خلقی که آوردگاههای گرامه، اردن و تل زهر را پشت سر نهاده است بر تمام دشواریها پیروز خواهد شد. و سرانجام خلفای انقلابی، منطقه خاورمیانه را به گورگاه امپریالیسم، سهیونیسیم و تمامی مرتجعین بدل خواهند ساخت.

مستحکم باد وحدت انقلابی خلفای ایران و فلسطین
مرگ بر امپریالیسم، سهیونیسیم و سربرندگان آنها
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵۸۵۲۶۶

محرکین جنگ داخلی وابسته به امپریالیسم و...

بقیه از صفحه ۱

کنندگان اعلامیه ها ، حمله به دفاتر سازمان های سیاسی و آتش افروزی های دیگر...
سختگوست.
" این فتنه جوئی هاوتحریرکات توطئه عوامل وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم است. آنها با بسیج اوباش و حجاج به دستان رستاخیزی همگی در منحرف کردن افکار عمومی از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم دارند. این اوباش و حجاج بدستان مورد حمایت هیچ یک از سازمانهای سیاسی ملیتی و مترقی نیستند."

در این مصاحبه خبرنگاران روزنامه های اطلاعات ، با مبادا ، انقلاب اسلامی ، آزاد ، تهران ، نصدای آزادی ، بهار امروز ، تهران تایمز ، تایمز مالسی و نمایندگان خبرگزاری های پارس ، صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، خبرگزاری و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، خبرگزاری روبر ، یونایتد پرس ، فرانسه ، خبرگزاری عراق ، خبرگزاری فلسطینی و فاو بی بی سی شرکت داشتند. وی در مورد مذاکره با دولت برای باز پس گرفتن سازمان گفت: "مادر تاس با مراجع رسمی کوشیدیم ملل این حمله را روشن سازیم. دادستانی انقلاب اسلامی هرگز مسئولیتی را در صدور حکم ضبط اموال و تحویل ساختمان تکذیب کرد. کمیته مرکزی انقلاب اسلامی نیز در تماس تلفنی گفت: "مردم به دفتر شما حمله کرده اند و مانع از رسیدن مردم هستیم."

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علت حمله را تحریک مردم دانست و اظهار داشت: "ما فقط مسئولیت حراست از ساختمان را پس از تصرف برعهده گرفتیم و آن را شغال نکردیم. هیچ یک از مقامات رسمی حاضر نشدند حمله به ستاد را سازمان محکوم کنند و در همین حال جالب بود که هیچ یک از آنها حاضر نشدند مسئولیت حمله را نیز برعهده گیرند."

یکی از خبرنگاران دربار در تهران پرسید: "سختگوست سازمان با حمله به ستاد چه میگوید؟"
اشاره کرد و گفت: "سازمان معتقد است که هرگز درگیری مسلحانه و هر نوع راه حل نظامی در این شرایط حساس مستقیمه سود امپریالیسم تمام خواهد شد و محرکین جنگ عوامل وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم هستند. به نظر ما راه درست و اصولی تخیلیست تشنجات در کردستان ، تامین حقوق حقه خلق کردستان و چنانچه این حقوق تضمین نشود و چنانچه به تحریک مردم علیه یک اقدام بدعهد در این منطقه و قایمی بسیار فجع ترخ خواهد داد. سند جمعی در روزنامه انقلاب اسلامی سختگوست سازمان در این مصاحبه به سند جمعی ای که در روزنامه انقلاب اسلامی چاپ شده اشاره کرد و گفت: "اخبار در روزنامه انقلاب اسلامی یک سند جمعی از مردم در اصطلاح لاسو رفتن خط مشی سازمان انتشار یافته است اما از طریق مراجع قانونی علیه این جعل اعلام جرم کرده ایم و بدین وسیله این خبر مضحک را قویا تکذیب می کنیم."

در اینجا خبرنگاران سوالات خود را مطرح کردند.
س- شما گفتید که اوباش به دفتر شما حمله کردند. در حالی که کمیته مرکزی انقلاب اسلامی به شما گفته است که مردم حمله کردند. پس مردم چه کسانی هستند؟
ج- کمیته مرکزی این عوامل را که در روزنامه های رسمی عوامل توطئه گسترده اخلاک نامیده شده اند ، مردم می دانند. کمیته توضیح دیگری راجع به اینکه این مردم چه کسانی هستند ، نداد. البته ما قبلا گفتیم که افراد مسلح و مجهزه بی سیم از صبح زود ساختمانهای نیمه تمام اطراف دفتر مرکزی سازمان را اشغال کرده و دستگیر کرده بودند. اتومبیل ها و کامیونهای وابسته به کمیته مرکزی بدستال جماق بدستان به فاصله دودقیقه در محل حاضر شدند و اموال دفتر را به محل کشته مرکزی انتقال دادند.

س- آقای چمران در همان روز حادثه در یک مصاحبه تلویزیونی گفته بود که در شمال ایران و در کردستان نیروهای مسلحان زبردست کار می کنند و نیروهای ارتباطی بین این اظهارات و حمله به دفتر شما وجود دارد؟
ج- شاید در مورد اظهارات آقای چمران ، آتش زدن کتابفروشی ها ، هجوم به زنان و غیره در آینده دلایلی به دست آید و اینکه نیروهای چپسی در شمال به طور علنی فعالیت می کنند و سایر سازمانها به طور مخفی ، مفرضانه است.

س- نظر شما راجع به قطعنامه راهبیمائی قدس چیست؟
ج- متأسفانه قطعنامه راهبیمائی دارای جنبه های متناقضه بود. از یک سو بر روی ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم تکیه داشت که عمقاً مورد حمایت نیروهای انقلابی و مترقی است. از سوی دیگر تهاجم علیه نیروهای انقلابی و تهدید آزادی مطبوعات بود که در جهت منافع خلقهای ایران نیست.

س- آیا در چنین شرایطی اختلاف نیروهای چپ را لازم نمی دانید؟
ج- ما در این شرایط ضمن تأکید روی ضرورت وحدت در جنبش کمونیستی معتقدیم که گسترش همکاری و همگامی همه نیروهای مبارز و انقلابی علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم.
س- برخورد شما با جواب مثبت و منفی دولت در ارتباط با پس دادن ستاد چیست؟
ج- در صورتی که پاسخ دولت مثبت باشد ، طبیعی است که همچنان فعالیت برای شرایط ملنی و قانونی فراهم خواهد بود. ولی همچنانکه به سختگوست دولت یادآور شدیم جلوگیری از فعالیت ملنی سازمانهای سیاسی ، مسلمانان و غیره می باشد. ما با همه توطئه ها که قصدشان محدود کردن باز پس بردن فعالیت ملنی است مبارزه خواهیم کرد.
س- آیا سفر چمران به کردستان می تواند در ارتباط با حملات اخیر باشد؟
ج- ما به هیچ وجه اعتمادی به فعالیت آقای چمران نداریم و این ناشی از سابقه ای است که ایشان در رابطه با گروه امل در لبنان داشتند که دارای سابقه توطئه علیه سازمانهای مترقی فلسطینی و لبنانی است. در این باره مقاله مفصلی در شماره های ۲۸ و ۳۰ روزنامه کارمشتتر می شود. سیاستی که چمران در کردستان پیش گرفته بود به اعتقاد ما باعث جنگ طلبانه بود.

س- به نظر شما کدام سازمانها در کردستان مترقی هستند؟
ج- از نظر ماتام سازمانهایی که خواهان تامین حقوق حقه خلقی هستند در چهارچوب وحدت و یکپارچگی ایران مبارزه می کنند سازمانهای مترقی محسوب می شوند اما در کردستان سازمانهای ارتجایی هم فعالیت دارند. از قبیل قیاده موقت که سابقاً همکاری آن با رژیم شاه و ساواک ، سیا و موساد اسرائیل و صیبت ترکیه به اثبات رسیده است.
س- یک عکس از جن جنسی در تظاهرات نشان می دادند در مقابل شاه ، این به چه ترتیب است؟
ج- رفیق جنسی یکی از حماسه های مبارزات تاریخ خلق ما است. تنها بی شرمان و کسانی که وقاحت راه کمال رسانیده اند به چنین اعمالی متشبست می شوند.
استاد همه اینها "تهرانی" بود. البته او اینقدر احمق نبود که به این اعمال متوسل شود.
س- روزنامه جمهوری اسلامی در مورد تصرف دفتر از قول شاهدان غیبی نوشته بود که صاحب وسایل ستاد را تخلیه کرده اید ، جواب شما چیست؟
ج- خبر روزنامه جمهوری اسلامی بسیار جالب بود. چون مردم که در این وجهی هدستی ما موران برخی از کمیته ها را با این اوباش نشان می دهد. ما می پرسیم اگر پاسدارها از قبل در جلوس تا دستگیر شدند ، پس چرا مانع حمله نشدند؟ این روزنامه مفرضانه خواست حقایق را

بقیه در صفحه ۵

جنایات بیشمار بقایای فئودالها در آذربایجان غربی با کمک کمیته...

بقیه از صفحه ۸

که با تفنگهایمان به خانه من بیایید تا برای تشییع جنازه ملاحظاتی بارزانی بشهر برویم روستائیان نیز به اینکار مجبور میشوند و به خانه ارباب میروند. پس از ورود روستائیان مالک به آنان میگوید که سلاحها ببرد شما نیخورد و اینکه اسلحه احتیاج به سلاح ندارد. سپس تمام اسلحه های آنان را جمع آوری می کند. روستائیان که فریب خورده اند یا ناراحتی به خانه برمیگردند. ولی ارباب که با خلع سلاح روستائیان خیالش آسودمیشود، ادعا می کند که تاکنون شما اجاره کرده اید. باید جریمه بشوید و شروع به گرفتن باج می کند بطوریکه با حساب قیوت تفنگها از هر يك ۲۵ هزار تا ۳۰ هزار تومان جریمه میگیرد (در چند روستا در محلهای مرگور - ترگور و سوامی و برادوست کسپالهای رضائیه هستند. نظیر این عمل را مالکین دیگر انجام میدهند) یکی از اهالی قره آغاج میگفت اگر ما میدانستیم خلع سلاح میشود تا پای جان میجنگیدیم و کشته میشدیم اما سلاحهایمان را نیدادیم ولی این عمل تجاوزکارانه مالک برای ما درس بزرگی شد. در مورد جریمه یکی از اهالی میگفت: ۶۵ گوسفند فروختم ۳۰ هزار تومان جریمه ارباب تمام شد و مجبور شدم چهارگاو و دیگر را هم بفروشم تا پولش جور شود.

اما در بعضی از روستاها که کشاورزان هیچ گونه درآمدی نداشتند که بتوانند این مبلغ کلان را به مالک بدهند، ارباب آنها را از ده بیرون ویا آنها را شکنجه میکرد. به عنوان نمونه حاجی ساهمی دو نفر از دهقانان را به همین علت با دستگاه "دخه کنی" دامها، اخته کرد. و زمینهایشان را بزور غصب کرد. در اثر این قبیل تجاوزات مالکین، مردم روستاهای این منطقه در اطراف شهرها چادر میزند یا به روستاهای نزدیک شهر کوچ می کنند یا در روستاهای نیوه از بهال ترگور ساکن میشوند.

از روستائیان شوال شد شا چگونه در مقابل این تجاوزات و جنایات مالکین مقاومت

چپاول هرچه بیشتر مردم کردند و عمال و نزدیکان خود را مسلح نمودند. کنترل مرزی در اختیار آنان قرار گرفت و قاچاق اسلحه بیش از پیش رواج یافت. از جمله این خائنین مالکی بنام حاجی ساهمی است. وی در جریان قیام و بلت دوستی و نزدیکی با رئیس ساواک آذربایجان غربی، او را از مرز فراری می دهد تا دچار خشم مردم نشود، البته ساواک ساواک این منطقه هم با لطف حاجی ساهمی از مرز فرار میکند. در روزهای قیام مسلحانه مردم، داروستان حاجی ساهمی و جهانگیرخان که از متجاوزین به فوق مردم اند، هر یک جداگانه به گروگان زاندارمری در سره که کنترل پایگاههای مرز ایران و ترکیه را عهده دار بود، حمله می برند و بین داروستان ایندو مالک بر سر تقسیم اسلحه برخورد می شود که طی آن ۴ نفر کشته می شود. جهانگیرخان در مقابل سلاحهایی که از زاندارمری صادره می کند رسیدی با امانی خود به آنها می دهد تا در شهر رضائیه به فرمانده خود بدهند.

پس از قیام، اربابها به منظور بستن گرفتن کنترل هرچه بیشتر این منطقه و پس گرفتن زمینهایشان از دهقانان شروع به تشکیل دسته های مسلح می کنند و برای آسود شدن از جانب دهقانان با نقشه های مختلف آنها را خلع سلاح می کنند.

نمونه ای از دهها تجاوز مالکین را در روستای "قره آغاج" میتوان نام برد. در سحیتی که از نزدیک با کشاورزان این روستا داشتیم روستائیان چنین میگفتند: روستاهای محال برادوست با ۲۷ خانوار مورد تجاوز مالکین واقع شد در این پورش ایادی اربابان از روستائیان مبلغ ۲۱۲ هزار تومان رشوه گرفته اند. توضیح آن که یکی از مالکین به روستائیان میگوید که به علت نامی در منطقه باید تفنگ بخرند و دهقانان نیز مجبور به این کار میشوند. سپس مالک سلاحهای خریداری شده را بازدید کرده و هر سلاحی که کهنه بود به صاحب آن دستور میدهد که باید اسلحه نو بخری. بعد از آن دو تن تمام سلاحها روزی پنج یا شش فروردین سال جاری به آنها می گوید

به خاطر عدم توانایی در پرداخت شهریه:

چرا باید فرزندان زحمتکشان از تحصیل...

توانایی تحصیلات دانشگاهی را داشته باشند شاهدیم که بخاطر شرایط حاکم بر کشور تنها کسانی میتوانند به دانشگاهها راه یابند که با فراغت پول در بهترین مدارس تحصیل کرده باشند. چنانچه نظری به قبول شدن کتکور در دانشگاهها بیافکنیم تعداد کسانی که وارد دانشگاهها میشوند می بینیم که تعداد فرزندان کارگران و دهقانان و یا پیشوران جزء چند ناچیز است. اما تروندان چنانچه فرزندان در دانشگاههای ایران هم قبول میشوند. برایشان اهمیتی ندارد، زیرا تروت آنها حلال مشکلات است و راه دانشگاههای کشورهای اروپا و امریکا برایشان باز است. ولی دیگر زحمتکشان زیر بار آموزش طبقاتی نتوانند رفت نظرات چند روز اخیر دانش آموزان بخاطر لغو شهریه و امکان تحصیل رایگان و اجباری برای همه فقط بخشی از اعتراضات تودما در این باره است چرا که پس از قیام تاکنون تحصیل رایگان و اجباری از خواستهای صدای بود که تودما روی آن پافشاری داشته اند اما دولت که به حمایت سرمایه داران پرداخته است در لغو شهریه و امکان تحصیل مجانی برای همه کترین توجهی نداشته است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هنگام با کارگران، کشاورزان، پیشوران، کارمندان جزء سایر زحمتکشان در این راه پشتیبان تودما خواهد بود و از آنجاییکه فدائیان خلق تاکنون همرا تودما قاطعانه در قطع نفوذ امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه داران داخلی شان و سایر مرتجعین مبارزه کرده اند همچنان تا تحقق خواستهای بحق مردم دوش بدوش زحمتکشان مبارزه خواهد کرد. مبارزات اخیر دانش آموزان در لغو شهریه و از بین بردن آموزش طبقاتی خواست مردم است و ما نیز در کنار آنان خواهیم بود.

شهران نو، جوادیه و بسیاری از مناطق دیگر مدارس دو یا سه نوبتی است و در هر کلاس دانش آموزان تا پای تنه کنار هم چیده شده اند باین ترتیب روشن است که سرنوشت کودکانی که در سایر شهرها و بخصوص روستا های میهن بسر میبرند چگونه است.

هنوز کارگران و دهقانان کینه زنده و بران کارمندان جزء که تحت فشارهای گوناگون اقتصادی بسر میبرند با وجود تحمل بار سنگین مبارزه قهرمانانه خود از تحصیل رایگان محرومند.

بسیاری از فرزندان زحمتکشان برای کمک به خانواده های خود و کاستن از بار فقر و محرومیتی که بر دوش آنهاست مجبورند از سنین پائین کار کنند. در میان ابناء کودکانی که در کارخانه ها، کارگاهها و مزارع کار می کنند نمیتوان کسی را پیدا کرد که فقر و محرومیت او را در سنین پائین به کار طاقت فرسا وادار نکرده باشد. کارگری که یک خانواده ۶ نفره را اداره می کند با حقوق ناچیز خود، با عدم تامین اجناسی و بیگاری که هر لحظه او را تهدید می کند چه میتواند بکند؟ او برای نجات از وضع فلاکت بار خود مجبور است فرزندان خود را بکار وادار، دهقانی که بر روی زمین کار می کند، نیز فرزندان خود را بکار بر روی زمین وادار می کند و باین ترتیب فرزندان زحمتکشان از ابتدای زندگی خود سرنوشتان تعیین شده است اما تروندان از سنین پائین فرزندان خود را به کسودگستان، دبستان دبیرستان و دانشگاه میفرستند آتیهای مطمئن را برای آنان تامین نمی نمایند ولی در مقابل ما شاهدیم که چگونه فرزندان زحمتکشان در صورت امکان تحصیل هم تعدادی بسیار معدود متوسطه را تمام می کنند و اگر چنانچه

تحریکات منجر به برخورد های تفرقه افکنانه ای میشد که هر بار با ختباری گروهانی از محصلین عوامل تفرقه افکن اشنا شده و ماهیت آنان برای سایرین روشن میشد و از این طریق بود که تاکنون تلاش مرتجعین نقض برآب شده است. در این بین نقش ملین مبارز و مترقی در پیشبرد فعالیت های مبارزانه دانش آموزان از کیفیت ارزنده ای برخوردار بوده است آنان نیز در اغلب موارد به یاری محصلین تشانند و در موارد لزوم با ارائه رهنمودهای سازنده در کنار دانش آموزان مبارز قنار دانسته اند.

یکی از صدترین خواستهای دانش آموزان از قیام تاکنون تحصیل رایگان بوده است که بارها بخاطر آن دست به اعتراضات و تظاهرات زده اند. در روزهای گذشته دامنه این اعتراضات گسترش یافته و محصلین نسبت به پرداخت شهریه و همچنین تکلیف مدارس بنشینوه گشته به دو دسته مدارس خصوصی و دولتی مترش هستند. آنان میگویند چرا باید پس از اینکه مبارزات، فرزندان زحمتکشان شهرها و روستاها بخاطر هم توانایی در پرداخت شهریه مدارس از تحصیل محروم بمانند؟ چرا باید مدارس خصوصی با بهترین تجهیزات و امکانات آموزش در حیطه قدرت سرمایه داران باقی بماند تا فقط خانواده ها و درانه های اشراف و تروندان غارتگر از آن بهره مند شوند؟ مگر نه اینکه بار اصلی مبارزات را توده های محروم میهنان بدوش کشیدند، پس چگونه است که بازم بهترین امتیازات از آن سرمایه داران و طبقات مرفه است؟ هنوز بیش از نیمی از مردم میهن ما در بیسودی کامل بسر میبرند و هنوز میلیونها نفر از فرزندان کارگران و دهقانان بکسی از آموزش محرومند و هنوز در همین تهران در محلات نازی آباد، افریه، خا سانی آباد

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



گزارش بازدید از حوزه های رأی گیری «مجلس خبرگان» اهواز

● مسئولین حوزه در برابر سؤال ما که چرا لیست رسمی روی دیوار و در معرض دید مردم نیست گفتند که: «مردم این محل اولاً بی سوادند و ثانیاً فقط به روحانیت رأی می دهند»

زمان بازدید: صبح روز جمعه ۱۲ مردادماه
تعداد حوزه های مورد بازدید: ۲۵ حوزه.
حوزه های مورد بازدید در محلات لشکرآباد، کپلو، امانیه، آغاسالت، زیتون کارمندی، کوی کورش کبایران، پادگان، ۲۴ متری و ۳۵ متری بود.
در طول بازدید که علی الاصول باید شلوغ ترین ساعات حوزه های رأی گیری باشد حد متوسط تعداد مراجعین حاضر در حوزه ها فقط ۵ نفر بود.
در حد اکثر نفرات در حوزه مسجد رسول در زیتون کارمندی - در حدود ۱۵ نفر - و حد اقل افراد در حوزه ۸۶ راهنایی (که جنب محله عرب نشین لشکرآباد است) - ۴ نفر - و در حوزه مسجد لشکر آباد - ۱ نفر - دیده شد. این دقیقاً برخلاف مفروضات جمعیت در روز فرادوم بود.
در اکثر حوزه های که در محلات فقیر نشین مستقر بود یکی دو نفر از افرادی که کارت نظارت بر انتخابات نداشتند برگ آراء می سوادان را بر میگرداند و کاملاً مشهود بود که فقط نام ۴ نفر کاندیدا (کیاوش و شمیم یا رشیدیان) برای آنان ثبت میگردند.
در اکثر حوزه ها افراد کمیت با قسم زدن در کنار میز که رأی دهندگان از آن برای نوشتن هفتصنیف خود استفاده میگردند و عملاً مردم را زیر نظر داشتند و جاسوسی میگردند و بطور مشهود موجب اضطراب آنان بودند.
در حوزه ۷۷ (مسجد پادگان) رئیس حوزه در حال تلقین به شخصی بود و اصرار داشت که اجازه بگیرد که سرپا زنی که شناسنامه نداشتند بتوانند رأی بدهند و رضوی کلامش آنچنان بود که بطرف حالی میگرد که این ۸۰۰۰۰۰۰ نفر که رأی بدهند یعنی ما میگردند نباید از دادن رأی محروم باشند. یکی از ما اظهار داشت که شناسنامه ندارد و پاسپورت خود را نشان داد ولی با هکس اللیل منفی روبرو شد و وقتیکه اعتراض کردیم و پس چگونه میخواست برای آن ۸۰۰۰۰۰۰۰ نفر اجازه بگیرد یک دکانسروان پادریانی

کرد و با اعلام اینکه: «خیر، هیچکس بدون شناسنامه نمیتواند رأی بدهد» موضوع را مستحالی کرد.
در شب ۹۴ - خیابان سید مصطفی کپلو بهر و دیوار بطور مفصل و تبلیغی نام ۴ نفر رانوشته بودند بطوریکه کاملاً به چشم میخورد.
در حوزه مسجد لشکرآباد - ۸۷ - تبلیغات مفصل برای همان ۴ کاندیداهای جمهوری اسلامی کاملاً مشهود بود. هیچگونه لیستی که معمولاً در شب نام دیگر پدیدار شده بود (و اسمی همه ۱۹ نفر کاندیدار را در آن با خطی درشت نوشته بود) وجود نداشت جوانی بدون کارت نظارت پشت میزی نشسته بود و یک لیست خطی روی یک صفحه کوچک زیر دستش و زیر جلد توضیح المسائل خمینی گذاشته بود در این لیست دور اسم آن ۴ نفر کاملاً کادر مشخص کشیده شده بود و جلوی اسم نسیم و ناصر خاککار و عباس ساری کلمه «کمونیست» نوشته شده بود. وقتیکه از او پرسیدند که چکاره است؟ گفت: بهرادران و خواهران می سوادان است. میگوید: وقتیکه به او اعتراض شد که این لیست حالت مفرضانه دارد با دستچاپی جواب داد که: مردم که به کمونیست رأی نمیدهند پس فرقی نمیکنند. مسئولین حوزه در برابر سؤال ما که چرا لیست رسمی روی دیوار و در معرض دید مردم نیست اول پیشنهادی شدند و بعد سعی در مستحالی کردن قضیه به این بهانه که «مردم این محل اولاً بی سوادند و ثانیاً فقط به روحانیت رأی میدهند و در نتیجه به لیست احتیاجی نیست» نمودند و ایادی کمیت و گروهی از جوانان ناآگاه که برای ما در بهر ریختن جملات بیگانه با جوب و حماقت و پنجه بکس شناخته شده بودند موضع خصمانه گرفتند و ما ناچار به ترک حوزه شدیم.
در حوزه مسجد امام جعفر صادق - ۵۵ - (در آخر اسنالت خیابان زند) هم دو نفر بدون کارت نظارت پشت یک میز نشسته بودند

انتخابات «مجلس خبرگان» در فومنات چگونه برگزار شد

مردم مبارز فومنات! انتخابات مجلس خبرگان به پایان رسید. ولی برستی این انتخابات آزاد بود؟ برستی توده های مردم توانستند نمایندگان راستین خود را به آزادی و در کمال آگاهی برگزینند؟ اصولاً اکثریت مردم کانی را که به آنها رأی دادند می شناختند؟ آیا میشود به آنچه در طول چند روز قبل از انتخابات در فضای میهن ما حاکم بود، نام آزادی گذاشت؟ آیا آنچه در روز انتخابات (۱۲ مرداد) بر حوزه ها و صندوق های رأی گیری می گذشت یک جسران آزاد و سالم انتخابانی بود؟ اگر آگاهانه به آنچه در این روزها بر میهن ما و مردم ما گذشت بنگریم، به همه سؤالات بالا جواب منفی خواهیم داد. ما برای اثبات حرفمان که انتخابات برخلاف ادعای مراجع دولتی و غیردولتی به هیچوجه آزاد و دمکراتیک نبوده، زیاد دور نمیرویم و از شهرهای دیگر سخن نمیگوئیم. ما آنچه را که در شهر و روستاهای فومن جلوی چشم و بطل گوش ما گذشت و حتا شما نیز دهها مورد آنرا دیده اید، برایتان می نویسیم و قضاوت را به عهده شما میگذاریم.
در طول یک هفته قبل از انتخابات دهها بار اعلامیه ها و تراکتهای انتخابانی ما را پاره کردند و برده های را که در رابطه با مسوولای پیش نویس قانون اساسی و نحوه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان در شهر نصب کرده بودیم پاره کردند. بدین ترتیب مانع از آن شدند که ما نظرات خود را در مورد مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی بگوش مردم برسانیم. در حالیکه طرفداران حزب حاکم کشور یعنی حزب جمهوری اسلامی بدون هیچگونه مانی در دو دیوار را پر از اعلامیه ها و تراکتهای خود کردند و از مسجد و منبر سخنرانی نموده و باران فحش و تازرا را تار ما کردند. آیا چنین است حق برابر برای همه گروهها و سازمانهای سیاسی که رادیو و تلویزیون دولتی مدام در گوش مردم میخواند.
قرار بود که گروهها و سازمانهای سیاسی بر صندوق های رأی گیری نظارت کنند. با وجودی که در شهر فومن و روستاهای تابعه حدود ۶۸ صندوق مستقر بود با حفظ نظارت دادند.

● در بعضی حوزه ها که مردم میخواستند به جوشنی رأی بدهند نظار و اطرافیان گفته بودند که برای جوشنی صندوق نداریم

آیا مردم دانه و آزادانه انتخاب کردند؟ آیا مردم فکر نمیکنند اگر به غیر از کاندیدا های حزب جمهوری اسلامی رأی دهند، تکثیر خواهند شد آیا آرای که با حتمت سازی از مردم گرفته شود اعتبار دارد؟ آیا با به آنچه گفته شد بیاد انتخابات رستاخیزی نمیآیند؟ ما که دیدیم و می بینیم همانهایی که نمایندگان رستاخیزی را بدوش گرفته و برایشان هورا کشیدند و آرای مردم را با حتمت سازی به خاطر نمایندگی آنها قاپویدند، امروز نیز مردان تیتانوسند. باید تا مردم ما بار دیگر داوری کنند.
گروه هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در فومن
۵۵۸۵۱۷

رفقا و هموطنان مبارز
بعلت حمله عناصر مرتجع و وابسته به امپریالیسم به ستاد سازمان آدرس نشریه را بصدا با اطلاع خواهیم رساند.
آدرس بانکی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران:
تهران: بانک ملی ایران - شعبه دانشگاه
شماره حساب ۴۳۰۹۸ بنام عباس فضیلت کلام
اهواز: بانک تهران - شعبه مرکز شماره حساب ۲۹۹۲
بنام محمد ابراهیم اکبری

یاد شهدا گرامی باد

ممتقد به مبارزه مسلحانه دستگیر شدند و به مدت یک سال در زندان بودند. در آن هنگام زین-العابدین دانش آموز سال چهارم و غلامرضا دانش آموز سال پنجم دبیرستان بود. این رفقا پس از آزادی در سال ۱۳۵۳ از طریق رفیق شهید مصطفی حسینی (که در زندان با او آشنا شده بودند) به سازمان چریکهای فدایی خلق پیوستند. در ماه مرداد ۵۴ در محل پارک پائین خیابان شهید این دو رفیق با اتفاق رفیق عسکر حسینی ابرده و یک رفیق دیگر مورد محاصره جلادان شاه قرار گرفتند. رفیق زین-العابدین که تنها ۵۵ روز از سخنانش میگذشت با خوردن سیانور به زندگی برافشاند خود خاتمه داد و رفیق غلامرضا که تازگی از ده محل خدمت خود در کرج گریخته و منضی شده بود برای نجات رفقای خود به تنهایی در مقابل پلیس قرار گرفت. او پس از یک مبارزه قهرمانانه بدرجه شهادت رسید و امکان فرار دو رفیق دیگر را فراهم آورد.
رفیق حسینی اللهیاری نیز، که در سال ۱۳۴۸ در تهران متولد شده بود، همچون دو رفیق دیگر در سال ۵۵ در حالیکه دانشجوی دانشکده علم و صنعت بود دستگیر شد اما پس از ۲۶ روز او را آزاد کردند. بار دیگر در اردیبهشت ۵۲ رفیق دستگیر شد و به ۱۵ ماه زندان محکوم گشت. او محکومیت خود را در زندان اوین، قزلقلعه و قصر گلراند و پس از آزادی به چریکهای فدایی خلق پیوست. زندگی سفی رفیق از اوائل سال ۵۴ شروع شد و در مرداد ماه همین سال به شهادت رسید.
یادشان گرامی باد.

بخشهایی از اعلامیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - خوزستان: جنایاتی را که در حق خلق عرب...

تحریک میکنند، بی ببرند. ما شن بیان از چار خود از اعدایانی که صورت گرفته است، هواقب این افعال را که برخلاف تصور ماجراجویان و متوجهان و مهره های وابسته به ارتجاع جهانی، حاصلی جز تشدید کینه ندارد خاطر نشان میازیم. ما شیوه های کثیف ارتجاعی را که میگوید با دروغ پراکنی و تهمت زنی و ستمنازی صندای حق خواهان خلق عرب را در گروگون جلوه میدهند تودمهای عرب را از ثمرات انقلاب محسوم سازد محکوم میکنیم و برای پایان بخشیدن هرچه زودتر باین جنایات و تجاوزات که آشکارا لگد مال کردن ببنی ترین اصول دستاوردهای انسانی قیام زحمتکشان ماست و رها ساختن فرزندان زندانی خلق عرب به تودمهای خلق عرب همسازیم. و با تکیه مجدد بر شناسایی حق تعیین سرنوشت خلقهای میهن خود از زحمتکشان عرب میطلبیم در چنین شرایط حاسی که برای قطع سلطه امپریالیسم و ارتجاع به وحدت انقلابی همه زحمتکشان میهن نیاز هست از خود هوشیاری نشان دهند و از هر ضلع کینه توزانه و اقدام نادرستی که به سود ارتجاع و وابستگان مزدور غارتگران جهانی است خودداری ورزند. و خواست حق طلبانه خود را برای کسب حقوق حقه خود هر چه بیشتر با منافع مجموعه زحمتکشان خلقهای میهن خود هماهنگ و همگام سازند.
مستحکم باد وحدت تمامی خلقهای زحمتکش میهن
هرگ بر ارتجاع و حامیان جهانیش سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - خوزستان ۱۸ مرداد ۵۸

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

یاد شهدا گرامی باد



محمد صفاری آشتیانی / غلامرضا بانزاد / احمد زهریم / زین العابدین رشتچی

رفیق احمد زهریم در سپیده دم ۲۸ مرداد ۵۱ که رژیم مزدور شاه بار دیگر سالگرد کودتای تنگین و سند خلقی خود را جشن می‌گرفت، با آوازی گلوله‌های خود سرود پرشکوهِ خشم روزافزون خلق راسدا، سرودی که بیانگر این واقعیت بود که خشم خلق در زیر سر نیزه و اعدام و تیرباران و شکنجه مداوم بیست ساله نه تنها فرو نرفته، بلکه روز بروز شکوفا تر هم گشته است.

رفیق احمد زهریم در سال ۱۳۳۳ در خانواده یک ماهیگیر فقیر در بندر انزلی، در دامان فقر و زحمت و تلاش مداوم، دیده به جهان گشود. همه افراد خانواده در کار صید ماهی و تهیه خاویار به‌طور کسک می‌کردند ولی با اینهمه زندگی آنها به‌شواری می‌گذشت. احمد برای ادامه تحصیل نیز مجبور بود کار کند و در سنین جوانی مدتی پاربری می‌کرد تا از این طریق بار زندگی افراد خانواده را سبک تر کند.

در ایام انتفال به‌ماهیگیری، او یکبار یک اعتصاب کارگری را سازمان داد که اگرچه به‌نتیجت انجامید اما تجربه‌ای بود در آغاز مبارزاتی که می‌رفت شکل بگیرد. رفیق احمد با کار در شیلات سرانجام تحصیل خود را در دبیرستان نیز به‌پایان رسانید و به‌سر بازی رفت. پس از سر بازی در کتابخانه پارک‌شهر تهران مشغول به‌کار شد و فرصتی برای مطالعه یافت. در این دوره بود که با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و متنی مسلحانه را همچون شورش و اجتناب ناپذیر، پذیرفت. او از طریق مشهری و هم‌کلاسی دوره دبیرستان خود، رفیق شهید بهمن آژنگ (از اعضای حرکت شاه منهد) به‌رفقای تهران معرفی شد و در اولین عملیات مسلحانه سازمان (مسار موجودی بانک ونک در مهر ماه ۴۹) شرکت کرد.

در بازگشت از این عملیات در اثر بی‌دقتی تیری از سلاح رفیقی شلیک شد که با اصابت به‌سر رفیق احمد، زخمی سطحی ایجاد کرد و گمانه کرد. در این شرایط رفیق احمد با خوشرویی تمام فقط نگران رفقای دیگر و موفقیت در عملیات بود و چون تصور می‌کرد

که زخم او کاری است بارها از رفقا خواست که او را با حسان حال رها کنند. مقارن عملیات حمله به‌کلانتری قلهک، عکس رفیق زهریم نیز در کنار هشت رفیق دیگر در سراسر کشور منتشر شد و صد هزار تومان جایزه برای دستگیرش تعیین شد. از این تاریخ تا زمان شهادت، زندگی انقلابی رفیق سراسر مبارزه با مزدوران رژیم، شرکت در عملیات و شکنج خط محاصره دشمن بود. در سراسر ۲۸ مرداد ۵۱ که رفیق برای اجرای یک عمل شریقی از پایگاهش خارج شده بود، پساً مأمورینی که سراسر شهر را به‌شدت کنترل می‌کردند درگیر شد و در یک نبرد حماسی طولانی، فدائواری و جانبازی و عشق به‌خلق و ایمان عظیم خود را به‌نمایش گذاشت. رفیق زهریم حتی در اوج درگیری و در آستانه شهادت نیز اصرار داشت که پول چادری را که از زنی گرفته بود به‌او بپردازد. او با این شهادت حماسی، افشانه‌ای شد که هرگز از یاد نخواهد رفت.

یادش گرامی باد.

رفیق فریدون شافعی: فردا ۳۵ مرداد نیز مصافق است با سالگرد شهادت رفیق فریدون شافعی. او یکی دیگر از فرزندان دلاور خلق آذربایجان بود که در شهر رضایه بدینا آمد و در همانجا پرورش یافت. پس از گذراندن دوره هنرستان صنعتی پسنوآن کارمند فنی دخانیات در زادگاه، خویش‌بکار پرداخت. رفیق فریدون از مدت‌ها قبل با سایر عناصر آگاه رضایه ارتباط سیاسی داشت و از همین طریق موفق شد با سازمان چریکهای فدائی خلق ارتباط برقرار کند و مسئولیت‌ها و وظایف سازمانی را با شوق و مسئولیت‌پذیری به‌عهده می‌گرفت و به‌نهایتگی انجام می‌داد. در یکی از برنامه‌های شناسایی در ۳۵ مرداد ۱۳۵۱ با مزدوران رژیم درگیر شد و در این درگیری به‌شهادت رسید. یاد او همواره در خاطر ما زنده است.

دیگر رفقای شهید در ماه مرداد:

رفیق محمد صفاری آشتیانی: رفیق محمد صفاری در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. دوران کودکیش آمیزه‌ای از کار و

تعمیل بود. تابستان‌ها با میوه‌فروشی‌اندوخته‌ای کرد می‌آورد و خرج درس‌خواندن می‌کرد. در سال ۱۳۳۵ وارد نیروی هوایی شد و در درجه استواری بعلت فعالیت‌های سیاسی از ارتش اخراج شد. در سال ۱۳۳۹ در رشته حقوق دانشگاه تهران به‌تعمیل پرداخت. رفیق صفاری در گروه چریکی که در تدارک عملیات مسلحانه بود شرکت داشت و پس از لورفتن گروه در سال ۴۶، او به‌سورت یک انقلابی حرفه‌ای و تحت‌پیکرد به‌فعلیت‌های مضی خود ادامه داد و ۸ ماه در تهران به‌تجدید سازمان پرداخت. در تابستان ۴۷ با هم‌صالح سازمانی همراه با رفیق صفائی فراهانی بقصد فلسطین از مرز عبور کرد. این دو رفیق در جبهه فلسطین آنچنان شایستگی از خود نشان دادند که در صفوف بهترین رزمندگان فلسطین قرار گرفتند. رفیق صفاری مسئولیت توزیع اسلحه و تدارک نظامی را در پایگاه چریکی جبهه آزادیبخش خلق (جرح حیث) عهده‌دار بود. او در اوائل سال ۴۹ به‌اتفاق صفائی به‌ایران بازگشت و از آن پس بارها برای آوردن سلاح و تبلیغ چریکی راه دستور تهران - فلسطین را پیچید. رفیق در بسیاری عملیات چریکی شرکت موثر و فعال داشت. در نیمروز دوم مرداد ۵۱ که از خانه تیمی خارج شد، دریافت که دشمن در حال محاصره خانه است. او بدون جلب نظر مزدوران از خط محاصره خارج شد ولی برای آگاه کردن رفقای هم‌دوره خانه دست به‌عملی فدائی زد و از راهی دیگر حلقه محاصره را شکست و بسوی خانه بازگشت. اما در فاصله صحتری خانه با مزدوران درگیر شد و طی نبردی دلیرانه به‌شهادت رسید. این شهادت حماسی به‌رفقا حمیاشان و شیرین خاطره (فصلت‌کلام) که درون خانه بودند اجازه داد که خط محاصره مزدوران را بشکنند و با موفقیت از خانه بگریزند. به‌این ترتیب رفیق صفاری فدائی رفقایش و فدائی خلقش و آرمایش شد. یادش گرامی باد.

رفقا زین العابدین رشتچی، غلامرضا بانزاد و حسینعلی اللهیاری

رفیق زین العابدین رشتچی و رفیق غلامرضا بانزاد در سال ۱۳۵۵ در ارتباط با یک مسلح بقیه در صفحه ۷

«جنایاتی را که در حق خلق عرب صورت می‌گیرد محکوم می‌کنیم»

جنایاتی که این روزها در خوزستان بسر خلق عرب می‌کنند و دامنه‌اش نیز هر روز بسورت تاز آور و نگران کننده بالا می‌گیرد، نمیتواند ضمن تشدید دلهره و انتزاج در توده های زحمتکش خلق عرب خشم و نفرت نیرو های انقلابی را نیز برنیا نگیزد.

خلق رنج کشیده‌ای که در طول نیم قرن حکومت تلنگین پهلوی بهترین فرزندان را قربانی خواستهای عادلانه خود کرده است و هنوز از عوارض شتکاری و قلندری رژیم گذشته و حاکمیت شیوخ چابر و اربابان زمین-دار و مرتجع محلی رنج می‌برد، فقر و بیماری و بی‌پسانمانی و بی‌توانی پستوشان آورده، شانه هایمان زیر بار سنگینی ستم عمیده شده و از کشتن حق اجتماعی برخوردار نیستند.

توهمهای زحمتکش عرب‌دردفرازی قیام باین امیددلته بودند که بازه جانبازی و شرکت فعالانشان در مبارزه علیه رژیم شاه خان،

جنایات بیشمار بقایای فئودالها در آذربایجان غربی با کمک کمیته ارومیه

رژیم گذشته برای کسب حمایت فئودالهای مناطق مرزی غرب کشور از جمله اطراف رضایه، حتی همان اصلاحات اردنی‌فرمایشی را شامل املاک آنان نکرد.

و با این ترتیب بعلت نفوذ مالکین در

همسر و نداد ایمانی: از مردم میخواهم نگذارند خون و نداد پایمال شود!

میگفت وضع تو که خیلی خوبه من خواهرم را می‌آرم بپشت. دیگه چی می‌خواهی. خدا را شکر کن زنهای مردم تو محات با اون وضع بچه می‌دان. هیچکس بالای سرشان نیست. شوهران توی شهر دنبال کاره تک و تنها تو اون وضع. تو خدا را شکر کن و همیشه می‌گفت:

«آذر آخه من که فقط مال تو و آزاده بستم. من به مردم تعلق دارم. مال مردمستم. آدم باید درد دیگران را بدونه. مگه تو آزاده را بزرگ می‌کنی برای خودت؟ وقتی بزرگ شد تحصیل اجتناب میدهی که سودمند باشد. منم مال مردم هستم.»

و نداد به‌عاطر مردم و به‌عاطر خلق شهیدند. او در زندگی چیزی کم نداشت. زندگی‌خجالت بچه و خانواده داشت و نداد توی زندگی‌اش هیچی کم نداشت. به‌عاطر مردم زنده بود و به‌عاطر مردم مبارزه می‌کرد. و من از مردم می‌خواهم که نگذارند خون و نداد و امتال او پایمال بشه.

فاجعه سینما رکس توانست جلوی موج خروشان خلق را بگیرد و امواج بر تلاطم خلق های قهرمان ایران درجهن ماه ۵۷، امیرالیم را وادار به‌تقبیل نشینی های تاکتیکی نمود. اما دولتی که سرس کار آمدن نفوس و توانست بیان کننده اراده راستین خلقهای شتکش میهن ما باشد. این دولت نه فقط تلاش در جهت انشای هرچه بیشتر جنایات رژیم شاه نمود، بلکه شدیداً در مقابل دادگاههای انقلاب کار ختکی نمود تا سرانجام دادگاههای انقلاب را تسلیم اراده خود نموده و آرا از مستوی انقلابیاش تھی نمود.

اکنون ما در شرایطی خاطره شهدای سینما رکس را گرامی می‌داریم که گردانندگان اصلی این جنایت فجیع در بین مردم آزادانه می‌گردند و در حالیکه حال سرسپرده رژیم سابق آزادنده بسیاری از انقلابیون زندانی مسی شوند. اما آنچه جنایتکاران و سرسپردگان به‌امیرالیم همیشه فراموش می‌کنند و بدان بهائی نمی‌دهند، اراده توده‌هاست، توده‌هاست که سرانجام انتقام تمام جنایات امیرالیم و سرسپردگان آرا خواهند گرفت. مردم ایران این جنایتکاران را شدیداً محکوم نموده‌اند، و مسلماً دادگاههای انقلابی خلق را در کوچه ها و بازارها، در کارخانه و روستا، در میدان های شهدا، در سینما رکس آبادان و در بهشت

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خانواده شهدای سینما رکس آبادان گرامی باد خاطره شهدای سینما رکس آبادان

یکسال از جنایت وحشیانه رژیم شاه می‌گذرد. اکنون مردم در سالگرد این قتل‌عام فجیع که انسان را بباد کورهای آمپوزی فاشیستی هیترلی می‌اندازد، خاطره شهدای آرا گرامی می‌دارند. قتل عام وحشیانه در سینما رکس آبادان هنگام اتفاق افتاد که مبارزات حق طلبانه و عادلانه خلقهای قهرمان ایران اوج جدیدی پیدا کرده و می‌رفت تا طواری تلنگین رژیم پهلوی، این رژیم سرپا و ایست به‌امیرالیم را به زباله دان تاریخ سپارد. کتار وحشیانه مردم در سینما رکس آبادان به‌فاصله یکروز از مساجحه مطبوعاتی شاه جلاد با خبرنگاران جیرم خوارش که در آن گفته بود: «ما به مردم وعده ندنم بزرگ می‌دهیم و آنها وعده و حنت بزرگه» سورت گرفت و این نشان می‌دهد که مزدوران سازمان امنیت به‌سورتور شاه خونخوار و برای انبات گفته‌هایش در ایجاد و حنت بزرگه دست به‌این جنایت بزرگ زدند و سعی کردند این جنایت بزرگ را به مبارزین راستین خلق نسبت دهند و توهمهای زحمتکش را نسبت به‌آنها بدبین سازند. ولی خوشبختی مردم ما و بویژه حیاری خانواده شهدای این فاجعه که حاضر نندند آلت دست دستگاه تبلیغاتی شاه قرار گیرند، این توطئه و فریب را خشی نمود.

بخطرم عدم توانایی در پرداخت شهریه: چرا باید فرزندان زحمتکشان از تحصیل محروم بمانند؟

دانش‌آموزان میهنان از جمله نیروهای مبارزی بودند که همیشه در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در کنار کارگران و زحمتکشان نقش فاضلی داشتند. دلاوریهای آنان در مبارزات یکساله اخیر بویژه در روزهای خونین ۱۷ شهریور سپس در ۱۳ آبان (که به‌دنبته سرخه شهرت یافت) که با تظاهرات پرشور خود از پای نشنند تا قیام بهمن ماه را گلگون کنند، همیشه در خاطر ما جاودان خواهد ماند.

سینه‌های پرشوری که آماج گلوله‌های ارتش مزدور شاه شد با این قصد که پیروزی از آن خلق شود.

پس از قیام بهمن ماه و گشایش مدارس، مصطلین راهی کلاسا شدند. اما این بار گوله‌باری از تجربیات مبارزاتی را همسراه خود به‌سوره بردند تا با تکیه بر آن در جهت از بین بردن مظاهر فرهنگ پوسیده امپریالیستی بسا مانده از رژیم شاه گسام بردارند.

آنان درین راه کوشیدند تا هرچه بیشتر ماهیت فرهنگ طبقاتی بچامانده از رژیم سابق را افشا کنند و درین راه با استخاد شیوه‌های دیموکراتیک و از طریق شوراهای دانش‌آموزی به‌رشد آگاهیهای سیاسی - اجتماعی گروه‌های وسیع مصطلین پرداختند ایجاد کتابخانه‌ها، تشکیل نمایشگاه‌های عکس

و اسلاید از مبارزات زحمتکشان در طول یکسال اخیر تشکیل جلسات بحث و سخنرانی و چاپ و انتشار نشریات که همه در جهت هرچه برپار کردن اندیشه دانش‌آموزان بکار گرفته شد، تنها بعضی از فعالیت‌های آنان بود. اما مصطلین تنها به‌فعلیت در درون مدارس خود اکتفا نکردند بلکه همچنان در سطح جامعه پیگیرانه مسائل مبارزاتی را دنبال کرده‌اند. شرکت فعال آنان در اجتماعات و اعتراضات سیاسی کارگران و زحمتکشان و تقویت پیوند هرچه بیشترشان با ستم‌دیدگان میهنان و پذیرفتن مسئولیت خطیر خود در بالابردن آگاهیهای سیاسی - اجتماعی توده های محروم و زحمتکش از جمله دیگر فعالیت‌های دانش‌آموزان بوده است که تاکنون آرا با شور و شوق فراوان دنبال نموده‌اند اما از آنجائیکه مرتجعین و سرسپردگان وابسته به‌امپریالیزم از رشد روزافزون آگاهیهای افکار وسیع مصطلین بوخت افتادند از حسان ابتدا به‌انواع مسیحه متوسل شدند تا شاید مانعی در راه شکوفائی استعدادهای آنان شوند.

و با این خاطر بود که از ابتدای سال جدید توطئه‌ها در اشکال گوناگون بوسیله عمده ناآگاه و فریب‌خورده بر علیه دانش‌آموزان مبارز و آگاه سورت می‌گرفت. این قبیل بقیه در صفحه ۶

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگانش